روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
شماره ۸/۲۲۸۶ صفحه/قیمت ۲۰،۰۰۰ تومان در مشهد / عوامل فروش و شهرستان‌ها ۱۵۰۰۰ تومان
خراسان رضوی
باسلام خدمت امام عصر(ع)
یکشنبه ۲۷ ۲ ۱۴۰۵

چالش همزمان چاقی و سو.تغذیه؛

بحران پنهان در سفره‌های ایرانی

۷

برجام پلاس و رویای منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی

«برجام پلاس» چیست و چگونه می‌تواند راه خروج از بحران ایران و آمریکا باشد؟

۲



هشدار؛ ساخت و ساز در کمربند جنوبی مشهد

گزارش

گزارش تکان‌دهنده مرکز پژوهش‌های مجلس از صنعت خودرو؛

۸۵ درصد مردم فقط توان خرید خودروهای زیر ۱.۵ میلیارد تومان را دارند



بازار خودرو ایران دیگر شباهتی به بازار سال‌های قبل ندارد؛ طبقه متوسط عملاً از خرید خودروهای میان‌رده حذف شده و بخش عمده تقاضا به خودروهای زیر یک میلیارد تومان سقوط کرده است. گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد

۴

گزارش

انحصار در ساخت سرود تیم ملی مساوی با فراموشی آن



سرود رسمی تیم ملی فوتبال ایران برای جام جهانی ۲۰۲۶، بار دیگر باب نقدها را باز کرده است. اسماعیل امینی، شاعر و منتقد ادبی، در گفت‌وگو با خبرآنلاین، با انتقاد از ادبیات «جنگ‌زده» و کلام دم‌دستی این اثر، تفاوت‌های بنیادین میان «حماسه نظامی» و «رقابت ورزشی» را تبیین کرده و از ریشه‌های یک سوءتفاهم کهنه در مدیریت فرهنگی-ورزشی کشور می‌گوید.

۵

تلاش لاریجانی برای حکمرانی عقلانی و مقابله با تحجر

عقل و تعقل از مفاهیم کلیدی در معارف قرآنی است که بنیادی اساسی برای حوزه‌های فکری و عملی به شمار می‌آید. قرآن کریم بارها و با تعابیر گوناگون به خردورزی فراخوانده و راه وصول به حقیقت و سعادت را در شکوفایی و پیروی از آن تعریف کرده است.

قرآن دستگاه معرفت و دانش انسان را بر محور عقل می‌داند و فواد را مهم‌ترین منبع معرفت می‌شمارد[۱] و اهل لباب را تنها گروه نجات یافته در میان انسان‌ها می‌داند[۲]. روایات اهل‌بیت در امتداد این رویکرد، عنصر عقل را محبوب‌ترین آفریده الهی می‌دانند[۳] و دین و دین ورزی را بازبسته عقل می‌دانند[۴] و دین‌ورزی صحیح را در بستر خردورزی به تصویر می‌کنند[۵] و همراهی با جنود عقل و پرهیز از جنود جهل را یگانه مسیری می‌داند که به رشد و کمال انسانی می‌انجامد.[۶]

این همه ضرورت عقلانیت را به یکی از وجوه اساسی در دانش‌های اسلامی تبدیل کرده است و دانشمندان مسلمان معاصر هر کدام به نوعی به این اصل اساسی اهتمام ویژه نشان داده‌اند. نه‌تنها متکلمان و فیلسوفان بلکه محدثان و مفسران و فقیهان، هر کدام با رویکرد و تلقی خود به این مهم پرداخته‌اند. تقسیم عقل به عقل نظری و عقل عملی و از آن جا، تقسیم دانش‌های اسلامی به حکمت نظری و حکمت عملی، و شمول آن‌ها بر همه معارف انسانی، ازجمله تلاش‌هایی است که در ادبیات اسلامی به‌خوبی دیده می‌شود. اما آنچه در دوره معاصر بیش از گذشته بیشتر مورد توجه قرار گرفته چگونگی تحویل این دانش‌ها و اندیشه‌ها به ساحت حیات روزمره بشر و تولید عقلانیت کاربردی متناسب با شرایط عینی و عصری است.

یکی از پرسش‌هایی که بارها در بین اندیشمندان مسلمان معاصر مطرح شده است، فقدان رویکردهای کاربردی در ساحت تفکر دینی است؛ بسیاری بر این باورند که عقب ماندگی مسلمین در سده‌های اخیر، ریشه در فقدان چنین رویکردی دارد و از این رو، تمدن اسلامی در رقابت با تمدن مدرن غربی از این ناحیه دچار ضعف و کاستی‌های فراوان بوده و این کاستی به یکی از چالش‌های جدی تمدن اسلامی در مواجهه فعال با مسئله‌های میدانی دنیای جدید شده است. این پرسش که چگونه می‌توان معارف نظری و عملی اسلامی را به ایده‌های کاربردی و نظریه‌های کارآمد برای تبیین موقعیت‌های عینی و سپس چاره‌جویی برای مشکلات و معضلات اجتماعی مسلمین تحویل برد، امروزه به یکی از نیازمندی‌های گفتمان اسلامی تبدیل شده است.

همین کاستی و خلا اساسی ست که برخی متفکران مسلمان را به سمت فلسفه‌ها و ایدئولوژی‌های غربی کشانده و گشایش گره‌های ناگشوده را در الگوها و روش‌های علوم انسانی مدرن جست و جو می‌کنند و گاه با رویگردانی از دانش‌های دینی و جداسازی عقلانیت از حوزه دین و گاه با التقاط مفاهیم دینی و اندیشه‌های مدرن غربی، به حل این مسئله می‌اندیشند. دانشمندان اسلامی نیز هرچند بسیاری براین نوسازی علوم اسلامی و همآوایی معارف دینی با مقتضیات عصری تأکید ورزیده‌اند و گام‌هایی برای چاره جویی برداشته اند، اما فقدان یک چارچوب روشن برای بازآفرینی عقلانیت علمی، هنوز به‌عنوان یکی از معضله‌های اساسی در محافل رسمی حوزه و دانشگاه نمایان است.

ظهور انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی که با ایده برپایی یک مدنیت اسلامی بر پایه حیات طیبه اسلامی شکل گرفت، این پرسش نظری را به ساحت‌های عملی و عینی کشاند و پرسش از شیوه حکمرانی دینی را به قلب این منازعه فکری وارد کرد. این بار عقلانیت اسلامی نه‌تنها در بعد تئوریک بلکه در صحنه پاسخگویی به مسئله‌های مدیریت جامعه و شیوه مواجهه با معضلات ملی و بین‌المللی نمودار گشت.

ادامه در صفحه ۳

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ / سال هفتم / شماره ۲۲۸۶
Vol.3.No.2286 / May 17.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

برجام پلاس و رویای منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی

«برجام پلاس» چیست و چگونه می‌تواند راه خروج از بحران ایران و آمریکا باشد؟



توماس پیکرینگ، دیپلمات باسابقه آمریکایی و از چهره‌های پشت‌پرده مسیر منتهی به برجام، معتقد است راه‌حل بحران هسته‌ای ایران نه جنگ، بلکه بازگشت به دیپلماسی و دستیابی به «برجام پلاس» است. او هشدار می‌دهد تهدیدهای هسته‌ای، حملات مکرر و تلاش برای نابودی ذخایر ایران راه‌حل پایدار نیست. به باور پیکرینگ، توافق تازه باید شامل بازرسی‌های قوی‌تر، محدودیت‌های فنی، رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰ درصدی و حرکت به‌سوی منطقه‌ای عاری از سلاح‌های کشتار جمعی باشد. اکنون زمان مناسبی برای گفت‌وگو با کسی است که در مانورهای پشت‌پرده‌ای نقش داشت که به برجام انجامید: توماس آر. پیکرینگ، دیپلمات پیشینی که ۴۰ سال در وزارت خارجه آمریکا خدمت کرد و پس از بازنشستگی، به هیئت علم و امنیت نشریه بولتن دانشمندان اتمی پیوست.

پیکرینگ در سال‌های آغازین فعالیت خود زیر نظر هنری کیسینجر کار کرد و سپس به‌عنوان سفیر آمریکا در مجموعه‌ای از کشورها از جمله اسرائیل، اردن، نیجریه، السالوادور، هند و روسیه خدمت کرد. در این گفت‌وگو، پیکرینگ ۹۵ ساله پیشینه روندی را توضیح می‌دهد که به نخستین توافق هسته‌ای با ایران انجامید؛ از آنچه اکنون در جریان است می‌گوید؛ دیدگاه خود را درباره مسیرهای احتمالی رسیدن به توافقی تازه و بهبودیافته بیان می‌کند.

دن دولت: می خواهم دریابم یک دیپلمات کهنه‌کار چشم‌انداز آینده کنترل تسلیحات هسته‌ای را چگونه می بینی. همچنین می‌خواستم بیشتر بدانم نخستین‌بار که آمریکا و ایران بر سر توانایی‌های هسته‌ای ایران در بن‌بست قرار گرفتند و این وضعیت به توافق هسته ای موسوم به برجام انجامید، پشت پرده چه گذشت.

توماس پیکرینگ: کنترل تسلیحات هسته‌ای همچنان اهمیتی فوق‌العاده دارد. من از این تهدیدهای هسته‌ای سبک‌سرانه‌ای که اخیراً از سوی این دولت مطرح می‌شود، عمیقاً نگرانم؛ تهدیدهایی که می‌تواند به ویرانی گسترده، تلفات سنگین و آسیب‌هایی بسیار شدید و تقریباً وجودی منجر شود. فکر نمی‌کنم ما، ایران، اسرائیل، روسیه یا چین هرگز چنین چیزی را بخواهیم. کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح از جمله ابزارهای اصلی‌ای هستند که برای ساختن نوعی دیوار آتش در اختیار داریم؛ دیواری برای جلوگیری از وقوع چنین فاجعه‌ای. هیچ چیز کامل نیست، اما یک دیوار آتش کارآمد می‌تواند بسیار سودمند باشد.

دولت: چه راه‌های دیگری وجود دارد؟

پیکرینگ: راه دیگر شاید این باشد که همراه با ایران، برای ایجاد منطقه‌ای عاری از همه سلاح‌های کشتارجمعی در سراسر منطقه خلیج فارس تلاش شود. چنین اقدامی، در مقایسه با وضعیت ژئوپلیتیکی کنونی، پیشرفتی عظیم خواهد بود؛ به‌ویژه در زمانی که ما رئیس‌جمهوری را انتخاب کرده‌ایم که توانایی‌اش برای مهار غرایز، جاه‌طلبی‌ها یا میل به بزرگ‌نمایی شخصی خود بسیار محدود است.

دولت: در یکی از مصاحبه‌های پیشین ، شما اشاره کردید که بخشی از یک تیم غیررسمی بودید که در دیپلماسی پشت‌پرده نقش داشت؛ روندی که در نهایت به مذاکرات توافق ایران انجامید. آن روند در آن زمان چگونه شکل گرفت؟ و چشم‌انداز تکرار چیزی مشابه آن امروز چیست؟

پیکرینگ: همه‌چیز با یکی از دوستانم، ویلیام لوئرز، آغاز شد؛ کسی که در دستگاه دیپلماسی آمریکا خدمت کرده و دوران طولانی‌ای را هم در آنجا و هم در دانشکده امور بین‌الملل و عمومی دانشگاه کلمبیا پشت سر گذاشته بود. او مردی جامع‌الاطراف بود و به مدت ۱۰ سال نیز مدیریت موزه متروپولیتن نیویورک را بر عهده داشت. لوئرز این الهام را داشت که برخی تماس‌های غیررسمی با ایرانی‌ها را که هر یک از ما طی سال‌ها به‌تدریج شکل داده بودیم، پرورش دهد؛ تماس‌هایی که آن‌قدر مهم بودند که نمی‌شد از کنارشان گذشت.

من به آنان پیوستم؛ همراه با استفن هاینتز، رئیس صندوق برادران راکفلر. در طرف آمریکایی، یک فیزیک‌دان از ام‌آی‌تی نیز حضور داشت و چند نفر دیگر هم بودند؛ و ما، این گروه چهار نفره و چند نفر دیگر، موضوع گفت‌وگو با ایرانی‌ها را دنبال کردیم. نخست چند دیدار با جواد ظریف داشتیم؛ کسی که در آن زمان وزیر خارجه ایران بود و واقعاً فردی درخشان به شمار می‌رفت؛ فارغ‌التحصیل دانشگاه دنور، کاملاً مسلط به زبان انگلیسی و بسیار تیزهوش.

دولت: و او همتای شما بود؟

پیکرینگ: نه، نه. او بسیار بالاتر از ما بود. او در آن زمان وزیر خارجه ایران بود و گهگاه به نیویورک می‌آمد؛ بنابراین ما فقط زمانی او را می‌دیدیم که فرصت داشت. اما هر وقت امکان دیدار فراهم می‌شد، حضورش بسیار ارزشمند بود. با این حال، ما به دیدار با افراد دیگری نیز ادامه دادیم؛ از جمله عباس عراقچی، معاون وزیر خارجه ، که من در جریان همین تلاش‌ها با او آشنا شدم. فرد دیگری هم به نام تخت روانچی بود که او نیز از معاونان ظریف به شمار می‌رفت. در طول زمان، چند تماس ایرانی از این دست شکل دادیم و چندین گفت‌وگو برگزار کردیم.

این ماجرا حوالی پایان سال ۲۰۰۰ بود؛ درست پس از آنکه من رسماً بازنشسته شده بودم. من و دیگران اندیشه‌ها و ایده‌هایی را درباره عناصر بنیادینی که یک توافق با ایران باید بر آن‌ها استوار باشد، پرورش دادیم. همچنین چندین مقاله منتشر کردیم که هنوز هم در دسترس است و ارتباط نزدیکی با دولت‌های وقت داشتیم. وقتی زمان مذاکره فرارسید، با مذاکره‌کنندگان در تماس نزدیک ماندیم و رنج و دشواری آنان را از زمانی که صرف شکل دادن به چنین توافقی شد، به‌خوبی حس کردیم. از همین رو، هم از ظهور برجام در سال ۲۰۱۵ بسیار خرسند شدیم و هم پیش از آن، از توافق دسامبر ۲۰۱۳ که به‌نوعی گامی کوتاه‌مدت و مقدماتی در مسیر برجام بود و توقف موقت برخی فعالیت‌ها را در بر می‌گرفت.

حالا این نکته را هم در نظر داشته باشید که یکی از چیزهایی که در این تلاش به ما کمک کرد، وجود یک حکم دینی نزد ایرانی‌ها بود؛ فتوایی که اعلام می‌کرد سلاح‌های هسته‌ای نباید توسعه یابند، زیرا غیراخلاقی و خلاف اصول اخلاقی‌اند. نمی‌خواهم میزان تأثیر آن را بیش از حد بزرگ جلوه دهم، چون برخی افراد در دولت ایران ممکن بود در تفسیر دامنه اجرای یک فتوا تا حدی... انعطاف‌پذیر باشند. اما این فتوا وجود دارد و اکنون ۲۵ سال است که برقرار مانده است.

دولت: وضعیت میدانی اکنون در مقایسه با آن زمان چگونه است؟

نخست، حدود ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا سطح ۶۰ درصد وجود دارد؛ سطحی که هرچند از نظر من به معنای دقیق کلمه، اورانیوم بسیار غنی‌شده در حد ۹۰ درصد نیست، اما همچنان آن‌قدر بالاست که به مسئله‌ای بسیار جدی تبدیل شود. نشانه‌هایی هم وجود دارد که شاید از نظر فنی بتوان از اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی یک ابزار شکاف‌پذیر ساخت؛ بنابراین نمی‌توان آن را مسئله‌ای کم‌اهمیت و بی‌ربط دانست. به بیان دیگر، این ماده تا حد زیادی در مسیر رسیدن به آن نقطه قرار دارد؛ به‌ویژه با توجه به توانایی‌های فنی ایرانی‌ها که احتمالاً می‌توانند به‌سرعت آن را تا سطح ۹۰ درصد ارتقا دهند. هیچ‌یک از این‌ها فراتر از قلمرو علم مدرن نیست.

نکته دیگری که باید در نظر بگیریم، احتمال بقای این مواد غنی‌شده در اعماق زمین است؛ زیرا بمب‌های سنگرشکن عمیق‌نفوذی که ژوئن گذشته فرو ریخته شدند، قادر به رسیدن به آن‌ها نبودند.

سومین مسئله این است که احتمالاً بخش قابل‌توجهی از نتایج آبشارهای سانتریفیوژهای پرسرعت در فردو نیز باقی مانده است. نمی‌دانم چه میزان از آن باقی مانده و درباره وضعیت کنونی اطلاعات ما در این زمینه هم مطمئن نیستم.

بیرون کشیدن همه این مواد و انتقال آن‌ها با هواپیما از ایران یا نابود کردنشان مستلزم یک عملیات بسیار دشوار و طولانی‌مدت نیروهای ویژه خواهد بود. حتی اگر آنان نوعی ماده منفجره جادویی در اختیار داشته باشند که حجم بسیار کمی داشته باشد اما قدرت انفجاری عظیمی ایجاد کند، باز هم باید با عبور از مقاومت ارتش ایران و سپاه پاسداران، راه خود را به داخل باز کنند. اینجا ونزوئلا نیست؛ راه‌حل نظامی سریع وجود ندارد.

دولت: جان میرشایمر گفته است ایران اکنون در موقعیت برتر قرار دارد و جنگ به سود آن پیش می‌رود. به گفته او: «آن‌ها فهمیده‌اند که بر ایالات متحده و اسرائیل اهرم فشار دارند. واقعیت این است که آن‌ها این‌همه موشک بالستیک و پهپاد در اختیار دارند و در محیطی سرشار از هدف عمل می‌کنند؛ بنابراین می‌دانند که نیازی به عقب‌نشینی ندارند»

پیکرینگ: خب، ایران تعداد بسیار زیادی موشک و پهپادهای ارزان‌قیمت شاهد در اختیار دارد. اما شاید اغراق باشد اگر بگوییم ایران صرفاً به دلیل ذخیره موشک‌ها و پهپادهایش در موقعیت نظامی بهتری قرار گرفته است. این مزیت به‌تنهایی کنترل کامل «فضای جنگ»، را در اختیار ایران قرار نمی‌دهد. هرچند تأمین و به‌کارگیری این تجهیزات قطعاً از این واقعیت کمک می‌گیرد که ایران موقعیت مناسبی برای پرتاب آن‌ها دارد و مهم‌تر از همه، کنترل تنگه هرمز را در دست دارد. ایران می‌تواند هر زمان و هر جا که بخواهد، در آنجا حمله کند. برای مقابله با این مشکل، من خوانده‌ام که چگونه ۶ هزار تفنگدار دریایی آمریکا به‌همراه ۲ هزار نیروی هوابرد در حال اعزام هستند تا بکوشند ساحل ایرانی تنگه هرمز را اشغال کنند. اما فکر نمی‌کنم کسی باور داشته باشد که این گروه کوچک از نیروها برای باز کردن تنگه و تضمین بلندمدت جریان عرضه نفت کافی باشد. در واقع، من چنین احتمالی را بسیار بعید می‌دانم. همه این‌ها ما را خیلی سریع به این دیدگاه می‌رساند که میرشایمر در این نکته درست می‌گوید: با توجه به این شرایط در خشکی و دریا، بهترین گزینه ما برای آینده این است که بار دیگر بکوشیم در یک راه‌حل دیپلماتیک را باز کنیم.

دولت: و آن راه‌حل چه می‌تواند باشد؟

پیکرینگ: راه‌حل باید نوعی «برجام پلاس» باشد؛ و قطعاً چیزی است که اکنون برخی افراد در حال اندیشیدن به آن هستند. مشکل واقعی‌ای که من می‌بینم این است که هرگونه اندیشیدن به یک راه‌حل، ممکن است از سوی رئیس‌جمهور و کارکنانش حمله‌ای به تصمیم اولیه او برای آغاز جنگ تلقی شود. این در حالی است که صاحبان قدرت در ایالات متحده آن‌قدر فرمان‌بردار شده‌اند که نمی‌فهمند در حال کمک و همراهی با روندی هستند که در تصمیم‌هایش نه راهبرد دارد، نه هدف و نه عقلانیت. تنها پیامدهای اقتصادی آن ویرانگر است؛ زیرا این دولت اساساً هیچ تلاشی را برای تدوین پیشنهادهای دیپلماتیکی که شاید ما را به راه‌حلی برساند، نمی‌پذیرد.

استیو ویتکاف نیز در چنین فضایی از بدگمانی کامل، ظاهراً قادر نیست زبان و منطق دیگر مذاکره‌کنندگان را درک کند. اما من معتقدم ما هنوز گزینه‌هایی داریم. پرسش این است که آیا در این دولت، به اندازه کافی افراد هوشمند روی این گزینه‌ها کار می‌کنند یا نه. قطعاً من اکنون با برخی دیگر درگیر بررسی همین گزینه‌ها هستم.

فکر می‌کنم راه‌حل شاید در چیزی شبیه همان برجام باشد، اما با تقویت بیشتر بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شاید همراه با برخی محدودیت‌های موشکی. ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای نیز می‌تواند نقطه آغازی باشد که ما را به چیزی نزدیک‌تر کند؛ چیزی که شاید رئیس‌جمهور غیرقابل‌پیش‌بینی ما بتواند بپذیرد، زیرا او می‌داند که برای ایالات متحده یک فاجعه اقتصادی آفریده است؛ فاجعه‌ای که در کاهش مداوم حمایت از او نیز قابل مشاهده است.

دولت: شما چند بار امکان ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه را مطرح کرده‌اید. آیا این احتمال جدی است؟

پیکرینگ: فکر می‌کنم چنین چیزی مستلزم حمایت قابل‌توجه متحدان باقی‌مانده ما در خلیج فارس است. با این حال، همه گزینه‌ها با دشواری‌هایی همراه‌اند. این‌ها ایده‌های خوبی هستند، اما لزوماً فوراً قابل اجرا نیستند. اما اهداف خوبی‌اند؛ اهدافی که احتمالاً ما را از اعزام نیرو به خلیج فارس دور نگه می‌دارند.

دولت: آیا فکر می‌کنید ایالات متحده ناچار است با چشم‌اندازی کنار بیاید که ارتش گاهی از آن با تعبیر «چمن‌زنی» یاد می‌کند؛ یعنی آمریکا مجبور باشد بارها و بارها به همان میدان بازگردد و هر توانمندی نظامی‌ای را که ایران در این میان ساخته است، بمباران کند؟

پیکرینگ: فکر نمی‌کنم هنوز به آن نقطه رسیده باشیم. ممکن است در نهایت به آنجا برسیم، اما فکر نمی‌کنم چنین شود. این راه‌حل واقعی نیست؛ فقط ادامه استفاده از زور است. از این گذشته، فکر نمی‌کنم این تاکتیک ثمربخشی باشد. شاید در کوتاه‌مدت چیزی را به تعویق بیندازد ــ یا دست‌کم بهانه‌ای فراهم کند تا یک سال بعد همان هدف دوباره بمباران شود. اما در بلندمدت، تنها کاری که می‌کند، دور زدن مسئله بزرگ‌تر است؛ آن هم به بهای کشتار تراژیک.

دولت: پس شما در نهایت «برجام پلاس» را بهترین مسیر خروج برای آمریکا و ایران می‌دانید؟

پیکرینگ: منظور من از عبارت «برجام پلاس»، محدودسازی کامل آبشارهای سانتریفیوژ به کاربردهای غیرنظامی، مصادره همه مواد ۶۰ درصدی و رقیق‌سازی همه آن‌ها به سوخت است؛ همه این‌ها ممکن است در قلمرو امکان قرار داشته باشد. بنابراین وقتی از «برجام پلاس» سخن می‌گویم، منظورم چیزی فراتر از آن چیزی است که پیش‌تر با ایران به دست آمد. اما مایلم بگویم که هدف نهایی را در لغو کامل سلاح‌های هسته‌ای می‌بینم

رییس دفتر رییس دولت اصلاحات:

حکم پزشکیان برای عارف صورت مساله اختیارات و مسئولیت دولت در زمینه رفع فیلتر را تغییر می دهد



سید محمد ابطحی با اشاره به ماموریت پزشکیان به عارف، گفت:شاید علت عدم توفیق آقای پزشکیان در شورای عالی فضای مجازی، کارشکنی‌هایی است که در دست ایشان نیست. با این حال، این حکم جدید صورت‌مسئله را تغییر می‌دهد. یعنی دولت باید بداند اگر قرار باشد همان حرف‌های گذشته را به مردم تحویل بدهد، بی‌دلیل پای خود را وسط کشیده‌اند و طبیعتاً دولت باید پاسخگوی زمان طولانی‌ای که اینترنت قطع شده و فیلترینگ رفع نشده نیز باشد

خبرآنلاین: در روزهای اخیر و درپی آتش بس میان ایران و آمریکا، انتقادات از قطعی اینترنت شدت پیدا کرده و افراد زیادی که دارای کسب و کار آنلاین بودند، از کار بیکار شدند. در پی همین انتقادات، مسعود پزشکیان حکم جدیدی را صادر کرد و به محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور این ماموریت را داد تا باب تازه‌ای را در مساله حکمرانی اینترنت باز کند.

در همین خصوص، محمدعلی ابطحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و رئیس دفتر رئیس‌جمهور در دولت اصلاحات، در گفت‌وگویی با خبرگزاری خبرآنلاین، با اشاره به انتصاب محمدرضا عارف به ریاست ستاد ویژه ساماندهی و راهبردی فضای مجازی بیان کرد: «این حکم، در واقع یک مسئولیت بزرگ را در دولت تعریف می‌کند. بحث اینترنت و رفع فیلترینگ موضوعی بوده که رئیس‌جمهور بارها درباره آن گفت‌وگو کرده و با آن رأی گرفته است.»

وی ادامه داد: «شاید علت عدم توفیق آقای پزشکیان در شورای عالی فضای مجازی، کارشکنی‌هایی است که در دست ایشان نیست. با این حال، این حکم جدید صورت‌مسئله را تغییر می‌دهد. یعنی دولت باید بداند اگر قرار باشد همان حرف‌های گذشته را به مردم تحویل بدهد، بی‌دلیل پای خود را وسط کشیده‌اند و طبیعتاً دولت باید پاسخگوی زمان طولانی‌ای که اینترنت قطع شده و فیلترینگ رفع نشده نیز باشد.»

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با بیان اینکه اگر قرار باشد در کارگروه جدید همان اقدامات گذشته تکرار شود، مانند خوردن لقمه از پشت سر است، گفت: «این کار، راه‌حل بسیار ساده‌ای داشت و ظاهراً مقررات مربوط به روال گذشته هم همچنان سر جای خودش باقی مانده است. اگر این‌گونه باشد، با تغییر دبیر شورای عالی فضای مجازی، رفع فیلترینگ اتفاق می‌افتد.»

ابطحی تأکید کرد: «من بیشتر احساس می‌کنم این اقدام، یک پوست موز یا پوست خربزه زیر پای دولت است. در حالی که همان مجموعه‌های موازی همچنان مخالف هستند، مگر اینکه اختیارات تازه یا نظریات جدیدی در ارتباط با این رفتار جدید دولت شکل گرفته باشد.»

وی با بیان اینکه در مجموع، این حکم آقای پزشکیان عادی نیست و می‌تواند توقعات مثبت یا منفی زیادی را علیه یا به نفع دولت سامان دهد، گفت: «اگر همان روال گذشته ادامه پیدا کند، در حقیقت آن بخشی از جامعه که تصور می‌کرد دولت طرفدار رفع فیلترینگ اپلیکیشن‌ها و اینترنت است، ناامید خواهد شد و همه فشارها مستقیماً متوجه خود دولت می‌شود.»

این چهره سیاسی اصلاح‌طلب افزود: «اما اگر واقعاً قدرت و اراده‌ای برای این حرکت جدید وجود داشته باشد، رفع فیلتر اپلیکیشن‌ها و ایجاد تحول در وضعیت اینترنت می‌تواند به یک نقطه مثبت برای دولت تبدیل شود و امیدوارم همین سناریوی دوم اتفاق بیفتد.»

وی تأکید کرد: «اگر این تصمیم صرفاً یک گام نمایشی باشد، می‌تواند به یک اشتباه بزرگ برای دولت تبدیل شود؛ چون در نهایت بار همه مشکلات مستقیماً بر دوش خود دولت خواهد افتاد، نه کسانی که سنگ‌اندازی می‌کنند.»

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۲۸۶
Vol.3.No.2286 / May 17.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com
۳
سیاست

تلاش لاریجانی برای حکمرانی عقلانی و مقابله با تحجر



محمد تقی سبحانی

این‌که در ظرف واقعیت، چگونه می‌توان مسئله‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی را با بهره‌گیری از عقلانیت اسلامی صورت بندی عینی کرد و راه حل این مسئله‌ها را در قالب طرح‌های کاربردی پیشنهاد نمود، پرسشی بود که شاید تا آن زمان کمتر ذهن اندیشمندان اسلامی را به صورت جدی به خود مشغول داشته بود. موضوعات نظری اینک به صحنه مدیریت اجتماعی ترجمه می‌شد و دوگانه نظر و عمل به صورت یک واقعیت تمدنی، در ذهن و ضمیر نخبگان بازنمود می‌یافت. این موضوع به‌ویژه برای کسانی که در صحنه کارگزاری نظام قرار داشتند و انتظار گره‌گشایی از نیازهای روزمره از آنان وجود داشت، بیش از دیگران احساس می‌شد.

تجربه تاریخی تمدن‌های بشری نشان می‌دهد که این موضوعات تنها با یک نگاه توامان یعنی با نگاهی به عینیت و نگاهی به مقام نظر قابلیت طرح یافته و در سایه این نگرش دوگانه به نتیجه‌ای قابل قبول نزدیک می‌شود. آنگاه که نیازها و مسئله‌های روزمره به عرصه دانش ورزی می‌آید و راه حل‌های عملیاتی پیشنهاد می‌شود و سپس این طرح‌ها در بستر اقدام و کنش ورزی به آزمون نهاده می‌شود و حاصل این بازخوردها، دانشمندان را به فکر چاره جوئی‌های جدید می‌اندازد، در اینجاست که فرایند تولید دانش کاربردی شکل می‌گیرد و مفهوم علوم انسانی در مفهوم عام و کلی جای خود را به مفهومی بومی و زمینه‌مند از علوم انسانی می‌سپارد. البته باید به خاطر سپرد که این زنجیره حلزونی از تئوری و آزمون در میدان عمل، خود نیازمند الگویی از عقلانیت کاربردی است که این نسبت‌ها را ممکن سازد و مسیر اصلاح و کمال را به روی میدان علم و عمل بگشاید. با نگاهی کوتاه به تجربه نخبگانی در جمهوری اسلامی، باید اعتراف کرد که در طول دهه‌های گذشته یکی از ضعف‌های جدی ما فقدان این رفت و برگشت‌ها میان میدان حکمرانی و عرصه نظرورزی بوده است. کارگزاران ما غالبا بهره‌ای از اندیشه ورزی نداشتند و یا اساسا به درک این خلا بنیادین وقوف نیافتند و از سوی دیگر، پژوهشگران ما فاقد چنین تجربه عملی در صحنه کارگزاری حکمرانی بوده‌اند و مشکلات عینی را در مقیاس‌های خرد و کابردی کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. حاصل این فراق و گسست میان میدان عمل و صحنه دانش، این بوده است که حکمرانان به دور از ارزش‌ها و دانش‌های دینی به راه حل‌ها اندیشیده‌اند و غالبا با اخذ و اقتباس از الگوها و تجربه‌های ناقص، عرصه حکمرانی را به آزمایشگاهی برای الگوهای بیگانه یا التقاطی کرده‌اند و پژوهشگران غالبا با این گمان که می‌توان صرفا با ارائه راه حل‌های علمی بر این مشکلات فائق آمد، پژوهش‌های خود را در همان ساحت‌های تخصصی محدود ساخته‌اند. به بیان دیگر، یکی از کاستی‌های اساسی در تجربه حکمرانی ایران معاصر، فقدان طبقه کنشگران اندیشه ورز و طبقه دانشمندان میدانی برای وصول به این سطح از دانش‌های کاربردی بوده است.

در میان اندک کسانی که دست کم دغدغه چنین عرصه‌ای را سال‌ها با خود حمل کرد و نه‌تنها حوزه و دانشگاه را به این آوردگاه فراخوند بلکه از ظرفیت‌های خود برای پاسخ به این نیاز بهره برد، دکتر علی لاریجانی بود.

او کسی بود که هم‌زمان با حضور در صحنه‌های حکمرانی در سطوح مختلف مدیریتی و اجرایی و کسب تجربه‌های متنوع و موفق در پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی، از ظرفیت‌های علمی و فکری لازم برای پیش نهادن این پرسش‌ها برخوردار بود.

او با آگاهی دقیق از تاریخ تفکر و تمدن مدرن و به دلیل تربیت علمی و زیست فکری با شخصیت‌های بزرگ فکری در حوزه و دانشگاه، عمیقا با این نیاز بزرگ جامعه ما آشنا شد و در طول زمان این دغدغه بنیادین را در خود پرورده‌تر ساخت.

لاریجانی در کنار کنشگری جدی در میدان حکمرانی، هیچ‌گاه از خواندن و آموختن و گفت و گو با اصحاب اندیشه فروگذار نکرد. او با شناخت درست از محصولات فکری اندیشمندان معاصر و به‌ویژه انس نزدیک با منظومه فکری شخصیت‌هایی چون شهید مرتضی مطهری که همواره بدان عشق می‌ورزید، اندیشه ورزی خود را به‌خوبی بر این نقطه میانی متمرکز کرد و تولید عنصر عقلانیت اجتماعی را به‌عنوان کلید گشایش این عقب ماندگی تاریخی در دستور کار خود قرار داد. او هرچند خود نتوانست با ایجاد یک جریان فکری همسو، به بازتولید یک چارچوب روشن و کامل دست یابد، ولی با آسیب‌شناسی علمی و بازنمود ضرورت‌های عملی آن، راهی را فراروی ما گشود که با خوانش این تجربه میدانی اندیشه ورزی می‌توان بدین مسیر جان تازه‌ای بخشید و ایده‌های او را به ساحت نوینی برای پژوهش و تجربه میدانی معرفتی تبدیل کرد.

در اینجا و در آستانه چهلمین روز از شهادت مبارک او که در سخت‌ترین دوره‌های مدیریتش رخداد، با اشاره به گوشه‌ای از اندیشه و عمل میدانی او، به واخوانی این تجربه می‌پردازم و با توجه به آشنایی دیرین از تجربه‌ای مشترک، سعی می‌کنم که قدری از این ابعاد را به تحلیل بنشینم.

مسئله اصلی در اندیشه علی لاریجانی و از مهم‌ترین دغدغه‌های او در میدان حکمرانی بی‌گمان رشد و توسعه همه جانبه ایران و پیشرفت کشور در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعیبود. شاهد این سخن، تلاش‌های او در همه مسئولیت‌هایش برای برداشتن موانع پیشرفت کشور و برنامه‌ریزی برای ارتقای وضعیت مردم و عبور از بن بست‌های مدیریتی و فائق آمدن بر مشکلاتی بود که راه توسعه و گشایش زندگی اجتماعی را برای مردم ایران سخت و تنگ می‌کرد.

مروری کوتاه بر کارنامه مدیریتی لاریجانی نشان می‌دهد که او همواره در پی فعال‌سازی ظرفیت‌های بالقوه و گسترده‌سازی میدان خدمت و تأسیس راه‌های جدید بود. بهره‌گیری از مشورت دانشمندان و اصحاب تجربه، اعتماد و فرصت‌سازی برای نسل جوان و ظرفیت‌های پویندە، پرهیز از بروکراسی‌های زائد و عبور از چرخه‌های دست و پاگیر و حضور میدانی و جهادی در صحنه اقدام و سازندگی، ازجمله ویژگی‌های مدیریتی او بود.

لاریجانی از محدود کارگزارانی بود که هرم مدیریت را از پائین‌ترین سطوح تا عالی‌ترین مناصب حکمرانی طی کرده بود و تجربه مدیریتی او صرفا به یک حوزه خاص و تخصصی محدود نبود. از منصب‌های سنگین اجرایی تا موقعیت‌های مشورتی متنوع در مجامع عالی رتبه و تا سه دوره ریاست بر دستگاه تقنینی کشور که جایگاه گره گشائی‌های اساسی حاکمیتی را برعهده‌دارد، از او یک شخصیت جامع، پخته و کارآمد ساخته بود.

بر این ویژگی‌ها بیفزائیم تواضع و تقوای عملی او در کنار شجاعت و جسارتش در مواجهه و نقد جریان‌های فکری و سیاسی، که بی‌گمان در مسیر رشد و تکامل اندیشه‌هایش تأثیری تام داشت؛ او با رفت و آمد و گفت وگو با اصحاب نظر از جریان‌های مختلف فکری و سیاسی و با مطالعه پیگیرانه آثار مختلف و عبرت آموزی از درس‌ها و تجربه‌های ناکام گذشته، بی‌هیچ مسامحه‌ای به بازاندیشی خود و دیگران می‌پرداخت و از برون روی از حصارها و بازسازی افکار و برداشت‌های خود پرهیزی نداشت.

این چنین بود که می‌توان گفت علی لاریجانی به حق یکی از مردان دغدغه‌مند توسعه ایران و ایرانی در دوران معاصر بود و سال‌ها عمر و تلاش خود را بر سر این مسیر و مسئله گذاشت. از این رو بود که او بارها بر زبان می‌راند که «وظیفه اصلی حکومت رفاه و آسایش مردم همراه با رشد معنوی است».

او در یک سخنرانی که شاید آخرین گفتار علمی او در محافل رسمی بود[۷]، با عنوان «پیرامون توسعه و لزوم عقلانیت سیاسی» به روشنی از این سر ضمیرخود پرده برداشت و آشکارا اظهار کرد که «غایت همه دیپلماسی ما باید تسهیل توسعه ملی که شامل رشد اقتصادی و تکنولوژیک شود» باشد و از همین جا بر این باور بود که در جهان قطبی شده و چندجانبه، برقراری توازن میان اقطاب البته به میزان آمادگی و ظرفیت آن‌ها برای ورود به یک تعامل متعادل، وظیفه اصلی حکمرانی در سطح مناسبات بین‌المللی است.[۸]

از اینجاست که دکتر لاریجانی پای عقل و عقلانیت را به پیش می‌کشد و ان را «اصل کلی» برای همه فرایندهای حکمرانی می‌داند؛ دعوت دین به خردمندی به‌عنوان پایه دینداری و یکی از وظائف حکمرانی در زمانه ما است. او به‌خوبی به تعریف لرزان عقلانیت در بین جریان‌های مختلف واقف است و از این رو سه مواجهه از سوی سیاستمداران با عقل را به زیر انتقاد می‌گیرد و سپس به برداشت خود از عقلانیت بازمی گردد و حکمرانی را در ظرف خردمندی دینی به تصویر می‌کشد.

از نظر او یک گروه از سیاستمداران تنها «عقل حسابگر» را دنبال می‌کنند که از نظر وی امریکا و غرب زدگان داخلی در این گروه جای می‌گیرند. ویرانگری جهان کنونی محصول همین نگاه پراگماتیستی به عقل مصلحت جوست. در مقابل، کسانی هستند که با یک قرائت منفی نسبت به عقل، خردمندی را از ساحت دین ورزی بیرون می‌رانند و سیاست را به دور از هرگونه عقلانیت دنبال می‌کنند. جریان‌های تروریستی معاصر از این تلقی پیروی می‌کنند.

گروه سوم کسانی هستند که که منفعت تشان را در بی‌اعتنایی به عقل می‌بینند، چراکه نگاه‌های پوپولیستی برای آن‌ها منافع زودهنگام دارد و عقل‌گرایی نیازمند نگاهی به افق‌های دور و دراز است. این گروه گمان می‌کنند که انقلابی‌گری یک صفت خودبسنده است و نیاز به توجیه عقلانی سیاسی ندارد، حال آن‌که انقلاب اسلامی خود خیزشی بود بر علیه دستگاهی که با استبداد خود بر ضد عقلانیت شوریده بود. به این ترتیب دکتر لاریجانی برعلیه هر گونه تحجردینی که به دنبال دور کردن عقلانیت از ساحت دین و جامعه است، به تندی سخن می‌گوید و این جمله کلیدی را از شهید مطهری نقل می‌کند که «تحجر از کفر و نفاق بدتر است زیرا تحجر دین را از درون تهی می‌کند.»

در یک کلام، شهید لاریجانی بر این باور است که «حکومت‌ها به اندازه‌ای که از عقلانیت سیاسی بهره دارند، از پایداری برخوردارند».[۹] اما سخن این است که این عقلانیت سیاسی از منظر اسلامی از چه ویژگی‌های عملیاتی برخوردار است که آن را از عقلانیت غربی جدا می‌کند. وی به روشنی عقلانیت اجتماعی در عرصه حکمرانی را در نهایت در مفهوم بنیادین «عدالت اجتماعی» جست‌وجو می‌کند و تلاش می‌کند که از درون این مفهوم قرانی که آن را از «قسط» برداشت می‌کند، پایه‌های اساسی عقلانیت در حکمرانی را پی ریزی کند.

او در کتاب عقل و سکون در حکمرانی به‌ویژه در مقدمه و فصل نخست توانست به عرضه مختصات کاربردی نظریه خود بپردازد. عنوان فصل نخست «سنجش سازگاری عدالت اجتماعی و توسعه» از دغدغه عمیق او در این زمینه پرده برمی دارد. بر پیشانی این فصل، سخن سعدی خودنمایی می‌کند که گویای دغدغه‌مندی نویسنده در بازگویی روایت خردمندی است: ملک از خردمندان جمال می‌گیرد و دین از پرهیزگاران کمال می‌یابد. پادشاهان به نصیحت خردمندان از آن محتاج‌ترند که خردمندان به قربت پادشاهان.

دکتر لاریجانی پس از مرور اجمالی بر دیدگاه متفکران معاصر غربی در نسبت میان عدالت و توسعه، به کاستی‌های این تحلیل‌ها اشاره می‌کند[۱۰] و حتی اضافه می‌کند که در نظریه امام خمینی، شهید مطهری و علامه طباطبائی هرچند این اندیشه تا اندازه‌ای روشن‌تر شده است، اما ابعاد عدالت به‌خوبی بسط نیافته است. «به نظر می‌رسد که نقطه برجسته تفکر اندیشمندان اسلامی دربحث عدالت اجتماعی تکیه آن‌ها بر همه وجوه زندگی فردی و اجتماعی باشد ... اما باید پذیرفت که همچنان یک نظام تئوریک برای همین برداشت همه جانبه از عدالت اجتماعی حاصل نشده است.»[۱۱] این مباحث مقدمه‌ای است تا لاریجانی را به دغدغه اصلی راه برد و ایده‌های خود را در این زمینه به پیش نهد. او بحث خود را با این سؤال آغاز می‌کند: «حال به سؤال نهایی می‌پردازیم: آیا می‌توان یک نظام تئوریک سازگار را برای این تلقی از عدالت اجتماعی در نظر گرفت؟» پاسخ‌هایی که او در پیش می‌اندازد هرچند هنوز پاسخگوی همه جهات این مسئله نیست و ای بسا برخی از وجوه اساسی را هنوز ناگفته وامی نهد ولی چنان که گفتیم، از این روی اهمیت دارد که برخاسته از چهار دهه کنشگری و اندیشه ورزی در پیشبرد پروژه حاکمیت دینی است و از این رو رنگ عینیت‌گرایی دارد و رو به افق حل مسائل عینی جامعه مسلمانی در کشاکش چالش‌های معاصر دارد.

بنیان عدالت و ازجمله عدالت اجتماعی از نظر لاریجانی ریشه در یک «حق طبیعی» که برخاسته از حقوق فطری در ادبیات قرآنی است، باز می‌گردد و از این رو، از نظریاتی چون قرارداد اجتماعی و یا فایده‌گرایی فاصله می‌گیرد. داشتن استعداد کافی در همه انسان‌ها به‌عنوان امور فطری، هم جنبه وحیانی دارد و هم از نظر شهودی و عقلی قابل اثبات است. وی به پیروی از شهید مطهری بر این باور است که پایه تمامی معارف قرانی بر فطرت نهاده شده است.[۱۲] از ویژگی‌های عدالت اجتماعی در نظر وی، باور به وجود شخصیت واقعی برای جامعه و وجود مقصد و حیات و نیز سنن و قوانین ثابت برای جوامع انسانی است و از این رو، سیر تکوینی و طبیعی فرد و جامعه به‌سویی است که فطرت ایجاب می‌کند و جهان و جامعه به نحوی ساخته شده است که فطرت جامعه به سوی اصول مشترک انسانی سوق یابد.

لاریجانی از این جا به کشف امور فطری جامعه می‌پردازد و از دو راه به این مهم دست می‌یازد: یکی، از طریق بررسی عوامل قوام و پایداری جوامع و دیگری، از طریق بررسی خواست مشترک ملل با فرهنگ‌های مختلف. به این ترتیب، مواردی نظیر استقلال، هویت ملی و امنیت ملی به‌عنوان نمونه‌های برجسته فطرت اجتماعی معرفی می‌کند. ازاین‌رو می‌توان نشان داد که استقلال خواهی، داشتن هویت ملی، حب وطن، آرامش روانی، صیانت از امنیت ملی و حفظ طبیعت، در مطالبات همه جوامع وجود دارد. البته در این نظریه در مقابل هر استعدادی، حقی قرار دارد و مبنای یک حق طبیعی است و حقوق طبیعی نیز از آنجا پیدا می‌شود که طبیعت هدف دارد و با توجه به هدف‌ها استعدادهایی در وجود موجودات نهاده و استحقاق‌هایی به آن‌ها داده شده است. تا این جا مطالبی است که جسته و گریخته در اندیشه‌های گذشتگان نیز نمود یافته بود، حال سؤال اصلی که لاریجانی خود را متکفل پاسخ بدان می‌داند این است که «چگونه این حقوق استیفا می‌گردد؟ مسئله حکومت در اینجا نهفته است». پاسخ وی به این پرسش به روشنی در این است که وظیفه حکومت در عدالت اجتماعی عبارت از دو امر اساسی است:

۱. زمینه‌سازی تحقق استعدادهای طبیعی ابنای جامعه

۲. تحقق حقوق فطری جامعه یعنی استقلال، امنیت و آرامش روانی و هوی ملی و حفظ طبیعت.

اما در خصوص محور اول تأکید می‌کند که نقش حکومت صرفا زمینه‌سازی است ولی حرکت به خود افراد بازمی گردد، چراکه این استعدادهای فطری جنبه بالقوه دارد و فعلیت آن‌ها نیاز به حرکت از درون دارد، به این معنا که افراد با حرکت خود به این استعدادها فعلیت می‌بخشند و تحقق این ویژگی‌های فطری بدون تلاش و تحرک درونی ممکن نیست. لذا برای رسید ن به این هدف، دو امر ضرورت دارد:

۱. زمینه‌سازی حکومت برای فعلیت یابی استعدادها

۲. تامین آزادی‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی و هنری در نهایت امکان.

بنابراین ایجاد فضای رقابت سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی هنری و علمی ضروری است بدین معنا که ایجاد آزادی در حوزه‌های مذکور نه هدف که ابزار و وسیله فعلیت یافتن استعدادها و حقوق انسان‌ها به شمار می‌آید. از همین روست که سازوکارهایی چون نظام مردم سالاری و تحقق رقابت‌های اقتصادی علمی فرهنگی و هنری، همه شاخص‌ها و نمودهایی است که از نظریه عدالت اجتماعی برمی آید و نه آن‌که عدالت اجتماعی ضمیمه‌ای برای نظریه رشد وتوسعه و فرع برآن باشد. از این جا برجستگی و تمایز این دیدگاه از نظریه‌های رقیب در حوزه عدالت و توسعه به‌خوبی رخ می‌نماید. اولا، عدالت اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین فضیلت انسانی، یک نظریه عمیق هستی شناختی و انسان شناختی است و ریشه در عمق کمالات انسانی دارد وبا غایات متعالی انسان گره می‌خورد. ثانیا، این مفهوم با مقولات عینی و روزمره پیوندی مستقیم و استوار برقرار می‌کند و حاجت‌های اجتماعی بشر را در زیست عمومی به صورت فراگیر در برمی گیرد. ثالثا، به همه عناصر حکمرانی، معنا و صورتی جدید می‌دهد و هر یک از مقولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در جای خویش می‌نشاند. رابعا، نقش حداکثری دولت در حکمرانی‌های توتالیتر و نقش حداقلی دولت در اندیشه لیبرال، به کلی واژگون می‌شود و مسئولیت‌پذیری دولت در مقابل آحاد مردم آن هم در مورد عمیق‌ترین نیازهای مردم که تامین شرایط برای فعلیت یافتن استعدادهای مشترک انسانی است، جایگزین می‌شود. خامسا، در عین حال این نظریه، حکمرانی را متعهد به ایجاد زمینه‌های لازم و تامین آزادی‌های کافی و امکان رقابت آزاد برای همه افراد می‌داند. با این نگاه است که برخلاف فلاسفه سیاسی غربی، مرز آزادی را تزاحم با امنیت یا تلاقی با آزادی دیگران ترسیم نمی‌کند، بلکه مرز آزادی‌ها را تا بدان جا می‌داند که استعدادهای همه احاد جامعه به‌طور متوازن رشد یابد و رشد هیچ استعدادی نیز مانع رشد دیگر استعدادهانشود.[۱۳]

از اینجا نتایج زیر به‌عنوان الزامات یک حکمرانی عقلانی دینی پدیدار می‌شود:

عدالت اجتماعی نه‌تنها امری عارضی و مزاحم برای رشد اقتصادی محسوب نمی‌شود بلکه مقوم و زیربنای رشد اقتصادی و رقابت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی است. اما زمینه‌سازی برای رقابت‌ها به عهده دولت است و دولت در فرایند شکل‌گیری عملیات اجتماعی از کمترین مسئولیت و دخالت برخوردار است. این رقابت‌سازی در حوزه‌هایی همچون برگزاری انتخابات، گردش آزاد اطلاعات بر بستر رسانه و شکل یابی احزاب معنا می‌یابد و زمینه‌سازی برای رقابت‌های اقتصادی از طریق حذف هرگونه انحصار چه حکومتی و چه غیر آن و عدم مداخله حکومت در اقتصاد، جز در موارد توانبخشی به رقابت‌ها محقق می‌شود و همچنین است زمینه‌سازی دولت برای آحاد جامعه و بروز استعدادهای فطری آنان در امور علمی، فرهنگی، هنری و غیره.

این رویکرد به عدالت اجتماعی واصل رقابت‌سازی برای حرکت آزادانه بدنه انسانی جامعه برای به ثمر رساندن استعدادهای فطری، به لاریجانی فرصت می‌دهد که کارکردهای حکمرانی در بستر عقلانیت اسلامی را به‌طور روشن، معرفی کند و از اقدامات ضروری حکومت برای ایجاد این رقابت همه جانبه به شرح زیر پرده بردارد:

۱. تدوین و اجرای طرح آمایش سرزمین به نحوی که امکانات اولیه برای همگان جهت حضور در این رقابت همه جانبه فراهم شود.

۲. احترام همه دستگاه‌ها به اصل مشارکت عامه و حذف همه انحصارهای حکومتی و غیرحکومتی. برای مثال، الزامات این اصل در ابعاد مختلف به‌ویژه در حوزه تربیت و آموزش از دیدگاه لاریجانی جالب توجه است.[۱۴]

۳. در بخش آرامش روانی جامعه، در خصوص مستمندان و معلولان و همچنین تامین اجتماعی واقعی افراد جامعه و قابلیت پیش‌بینی‌پذیری آینده رفاهی آنان را الزام می‌کند. در این وجه، در منطق حکمرانی اسلامی، اصل بر فراهم آوردن شرایط زیست توام با کرامت افراد است؛ به گونه‌ای که افراد جامعه از طریق دستیابی به مهارت و شغل مناسب و فعلیت یافتن استعدادهای خود، احساس پیشرفت و حرکت تکاملی داشته باشند و نه مصروف یارانه بگیری و امدادهای غیرمولد.

۴. امنیت کشور به‌عنوان حق طبیعی جامعه باید به تناسب تهدیدات در هر دو حوزه حفظ قدرت نظامی و امنیت داخلی به نحوی تامین شود که هم جنبه بازدارندگی داشته باشد و هم مردم آن بخش را به‌عنوان تکیه گاه بدانند. امتداد مردمی و عدم دخالت در امور سیاسی از ضروریات تکیه گاه بودن این بخش برای مردم محسوب می‌شود.

۵. حفظ هویت ایرانی اسلامی از حقوق فطری جامعه ما محسوب می‌شود که باید هم در بعد داخلی و هم در بعد بین الملل مورد توجه قرار گیرد. از این رو، در سطح داخلی باید بر محور مشارکت عامه، و در سطح بین‌المللی بر دفاع از مسلمانان و مستضعفان به‌عنوان یک الزام جدی مورد توجه قرار گیرد و از بعد دیپلماتیک باید تسهیل مراودات مردم با سایر ملل به‌خصوص در بعد اقتصادی برای رشد استعدادهای درونی و رشد و توسعه اجتماعی به‌عنوان یک هدف اساسی در دستگاه دیپلماسی، ازجمله وظائف حکومت در حفظ هویت ایرانی اسلامی است.

۶. استقلال کشور از حقوق فطری جامعه است که برای تامین آن در ابعاد اقتصادی، دفاعی، فرهنگی و علمی، حکومت باید فضای رقابت آزاد را به گونه‌ای سامان دهد که به خوداتکایی در امور مذکور نائل آید. مقصود از خوداتکایی این نیست که لزوما همه زنجیره تولید در کشوراز نظر فعلیت محقق شود بلکه باید قابلیت و استعداد فنی و علمی کافی برای تمامی مسیر زنجیره‌های تولیدی خدمات وجود داشته باشد.

آنچه از اندیشه‌ها و تجربه زیسته شهید دکتر علی لاریجانی ارائه شد، تنها به‌عنوان نمونه‌ای از یک الگوی عقلانیت اجتماعی در حکمرانی بود، کاری که سوگمندانه هنوز مسیر خود را به درستی بازنیافته و دانش ضمنی حکمرانی ما به میان محافل آکادمیک نیامده و دانش‌های نظری ما سویه‌های کاربردی روشنی پیدا نمی‌کند. به گمان ما راه گریز از این گسست میان نظر و عمل، روی آوری به منطق رفت و برگشت (دیالکتیک) میدان دانش ورزی و کنشگری اجتماعی است وبرای رسیدن به چنین مقصودی، نیازمند مردان دانش در میدان عمل و مردان عمل در تعامل با ساحت دانش و اندیشه هستیم.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ / سال هفتم / شماره ۲۲۸۶
Vol.3.No.2286 / May 17.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

خبر

یک رکورد تازه زده شد



مصرف بنزین در ایران در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴ روندی عمدتاً صعودی داشته و با رسیدن به ۱۳۲.۳ میلیون لیتر در روز در سال ۱۴۰۴ به بالاترین سطح خود رسید.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، مصرف بنزین در ایران در سال‌های اخیر روندی نوسانی اما در مجموع صعودی را تجربه کرده و داده‌های جدید نشان می‌دهد که این روند در سال‌های ۱۴۰۰ به بعد شتاب بیشتری گرفته است. افزایش تعداد خودروهای شخصی، توسعه‌نیافتگی حمل‌ونقل عمومی و رشد سفرهای درون‌شهری و برون‌شهری از مهم‌ترین عوامل این تغییر عنوان می‌شوند.

مهر نوشت: بر اساس آمار ارائه‌شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس، مصرف روزانه بنزین کشور در سال ۱۳۹۵ حدود ۷۴.۷ میلیون لیتر بوده است. در سال ۱۳۹۶ این عدد به ۸۰.۷ میلیون لیتر افزایش یافت، اما در سال ۱۳۹۷ دوباره روند افزایشی ادامه پیدا کرد و مصرف به ۸۹ میلیون لیتر در روز رسید. در سال ۱۳۹۸ نیز این سطح تقریباً ثابت ماند و به ۸۹.۷ میلیون لیتر رسید.

با آغاز سال ۱۳۹۹ و هم‌زمان با کاهش رفت‌وآمدها به دلیل شرایط ناشی از کرونا، مصرف بنزین به ۷۵.۵ میلیون لیتر در روز کاهش یافت. اما این افت موقتی بود و از سال ۱۴۰۰ دوباره روند افزایشی آغاز شد؛ به‌طوری‌که مصرف به ۸۷.۳ میلیون لیتر رسید.

از سال ۱۴۰۱ به بعد، رشد مصرف بنزین شتاب قابل توجهی گرفت. در این سال مصرف روزانه به ۱۰۳.۵ میلیون لیتر رسید و در سال ۱۴۰۲ این رقم به ۱۱۸.۱ میلیون لیتر افزایش یافت. روند صعودی در سال ۱۴۰۳ نیز ادامه پیدا کرد و مصرف به ۱۲۴.۵ میلیون لیتر در روز رسید. نهایتاً در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، مصرف روزانه بنزین به ۱۳۲.۳ میلیون لیتر رسید که بالاترین سطح در بازه مورد بررسی است.

این روند افزایشی در حالی رخ داده که کارشناسان، ساختار حمل‌ونقل کشور را یکی از عوامل اصلی رشد مصرف سوخت می‌دانند. افزایش وابستگی به خودروهای شخصی، کمبود و ناکارآمدی حمل‌ونقل عمومی، و همچنین گستردگی جغرافیایی و تعداد بالای خودروهای سواری، فشار قابل توجهی بر سبد انرژی کشور وارد کرده است.

از سوی دیگر، رشد مصرف بنزین پیامدهای مستقیم زیست‌محیطی نیز به همراه داشته و به گفته تحلیلگران، می‌تواند در افزایش آلودگی هوا و تشدید ناترازی انرژی نقش داشته باشد. با توجه به روند فعلی، ادامه این وضعیت نیازمند سیاست‌گذاری جدی در حوزه توسعه حمل‌ونقل عمومی، مدیریت تقاضای سوخت و اصلاح زیرساخت‌های شهری عنوان می‌شود.

شرایط ویژه اشتراک انبوه
روزنامه صبح امروز
برای پیک موتوری‌ها، باربری‌ها
و شرکت‌های خدماتی
با ما تماس بگیرید:
۰۹۳۶۰۵۶۶۶۳۶
۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱

گزارش تکان‌دهنده مرکز پژوهش‌های مجلس از صنعت خودرو؛

۸۵ درصد مردم فقط توان خرید خودروهای زیر ۱.۵ میلیارد تومان را دارند



بازار خودرو ایران دیگر شباهتی به بازار سال‌های قبل ندارد؛ طبقه متوسط عملاً از خرید خودروهای میان‌رده حذف شده و بخش عمده تقاضا به خودروهای زیر یک میلیارد تومان سقوط کرده است. گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد در حالی که مردم در کف بازار دنبال خودرو می‌گردند، سیاستگذاری خودرویی کشور به سمت مونتاژی‌های میلیاردی و خودروهای گران‌قیمت رفته‌اند؛ شکافی که هر روز عمیق‌تر می‌شود.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد۲۴- بازار خودرو در ایران دیگر فقط یک بازار مصرفی نیست؛ آینه‌ای است از وضعیت اقتصاد، قدرت خرید مردم و حتی تغییرات طبقاتی جامعه. اگر زمانی خانواده‌های طبقه متوسط می‌توانستند میان پراید، پژو، سمند، تندر ۹۰ یا خودروهای مونتاژی اقتصادی دست به انتخاب بزنند، حالا بخش بزرگی از همان طبقه متوسط یا به‌طور کامل از بازار حذف شده یا ناچار است در پایین‌ترین لایه بازار دنبال خودرو بگردد. گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس درباره وضعیت صنعت خودرو در شش‌ماهه نخست ۱۴۰۴، تصویری دقیق و البته نگران‌کننده از همین تغییر ارائه می‌دهد؛ تصویری که نشان می‌دهد بازار خودرو ایران دیگر بازاری متنوع نیست و بخش اعظم تقاضا در کف بازار متمرکز شده است.

بر اساس این گزارش، نزدیک به ۷۰ درصد ارزش بازار خودرو مربوط به خودروهای ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان است و در مجموع حدود ۸۵ درصد تقاضای بازار در محدوده خودروهای زیر ۱.۵ میلیارد تومان قرار دارد. این یعنی برخلاف تصویری که نمایشگاه‌های خودرو، تبلیغات مونتاژی‌ها و ویترین کراس‌اوورهای چینی نشان می‌دهند، اکثریت جامعه اساساً در آن بازار حضور ندارند. مردم هنوز در همان بازار خودروهای اقتصادی و نیمه‌اقتصادی مانده‌اند، اما مشکل اینجاست که حتی آن بازار هم دیگر «اقتصادی» نیست.

چرا بازار خودرو کوچک شد؟

داده‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد بازار خودرو کشور به خودروهای کمتر از یک میلیارد تومان اختصاص دارد؛ خودروهایی که تقریباً همگی تولید ایران خودرو و سایپا هستند. این یعنی با وجود رشد شدید مونتاژ خودروهای چینی، همچنان ستون اصلی بازار روی دوش خودروهای داخلی ارزان‌تر قرار دارد؛ همان خودروهایی که سال‌هاست کیفیت، ایمنی و فناوری آنها محل انتقاد است، اما برای بخش بزرگی از جامعه هیچ جایگزین واقعی دیگری وجود ندارد.

شاید مهم‌ترین نکته گزارش همین باشد؛ سیاستگذاری خودرو در ایران طی سال‌های اخیر عملاً از سمت تقاضای واقعی جامعه جدا شده است. در حالی که مردم در بازار زیر یک میلیارد تومان دنبال خودرو می‌گردند، بخش مهمی از تولید و واردات به سمت خودروهای میلیاردی، کراس‌اوورهای مونتاژی و محصولات کم‌تیراژ رفته است. نتیجه این سیاست، شکل‌گیری بازاری دوپاره است؛ بازاری که در یک سمت آن خودروهای گران‌قیمت با مشتری محدود قرار دارند و در سمت دیگر، انبوه مردمی که هر سال قدرت خریدشان کمتر می‌شود.

طبقه متوسط از بازار خودرو حذف شد

برای فهم عمق این تغییر، کافی است قیمت خودروها را با چند سال قبل مقایسه کنیم. گزارش مرکز پژوهش‌ها نشان می‌دهد قیمت کوییک دنده‌ای از ۴۲۰ میلیون تومان به ۷۰۵ میلیون تومان رسیده است. پژو پارس ELX حالا حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان قیمت دارد و دنا معمولی به محدوده یک و نیم میلیارد تومان رسیده است.

این اعداد فقط نشانه گرانی خودرو نیستند؛ نشانه سقوط طبقه متوسط‌اند. خودرویی مثل پژو پارس تا چند سال پیش انتخاب معمول خانواده‌های متوسط بود، اما حالا خرید همان خودرو نیازمند سرمایه‌ای است که برای بخش بزرگی از حقوق‌بگیران دست‌نیافتنی شده است. در واقع، بازار خودرو در ایران از بازاری برای «خرید مصرفی» به بازاری برای «حفظ سرمایه» تبدیل شده و همین مسئله باعث شده مصرف‌کننده واقعی روزبه‌روز عقب‌تر رانده شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس در بخش دیگری از گزارش خود تأکید می‌کند که جهش قیمت خودروها از سال ۱۳۹۷ به بعد، همزمان با کاهش ارزش پول ملی و تورم عمومی شدت گرفته است. در چنین شرایطی، حذف خودروهای ارزان‌قیمتی مانند پراید، تیبا و سمند بدون آنکه جایگزین اقتصادی واقعی برای آنها تعریف شود، شکاف میان درآمد مردم و قیمت خودرو را عمیق‌تر کرده است.

فاصله چشمگیر اهداف اعلامی با واقعیت‌های صنعت خودرو

در ظاهر، صنعت خودرو ایران در سال‌های اخیر پر از نام‌های جدید شده؛ از انواع کراس‌اوورهای چینی تا مونتاژی‌هایی که هر چند ماه یک‌بار با برند تازه وارد بازار می‌شوند. اما آمارهای رسمی نشان می‌دهد بدنه اصلی بازار هنوز همان خودروهای قدیمی داخلی هستند.

مرکز پژوهش‌ها می‌گوید عمده تولید خودرو در کشور همچنان مربوط به خودروهای سواری است و سهم خودروهای تجاری و حمل‌ونقل عمومی بسیار ناچیز باقی مانده است. از سوی دیگر، کل تولید خودرو در شش‌ماهه نخست ۱۴۰۴ به ۴۶۱ هزار دستگاه رسیده؛ رقمی که نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۸ درصد کاهش داشته است.

در گزارش، دلایل مختلفی برای این افت مطرح شده؛ از مشکلات ارزی و اختلال در تأمین قطعات گرفته تا پیامدهای جنگ ۱۲ روزه و انفجار بندر شهید رجایی. اما واقعیت این است که صنعت خودرو ایران سال‌هاست درگیر بحرانی عمیق‌تر است؛ بحرانی که به ساختار تولید، سیاستگذاری و وابستگی شدید به واردات قطعات مربوط می‌شود.

جالب اینجاست که طبق برنامه هفتم توسعه، قرار است تولید خودرو در ایران به سه میلیون دستگاه در سال برسد. اما کل تولید کشور در سال ۱۴۰۳ حدود یک میلیون و ۱۲۱ هزار دستگاه بوده است. این فاصله عظیم نشان می‌دهد اهداف اعلامی سیاستگذاران تا چه اندازه با واقعیت صنعت فاصله دارد.

سودی که مونتاژکاران به جیب می‌زنند

یکی از مهم‌ترین تناقض‌های بازار خودرو ایران در سال‌های اخیر، رشد سریع خودروسازان خصوصی مونتاژکار است. شرکت‌هایی که سهمشان از تولید هنوز پایین‌تر از ایران خودرو و سایپاست، اما سهم قابل توجهی از پول بازار را در اختیار گرفته‌اند.

گزارش مرکز پژوهش‌ها مثال جالبی می‌زند؛ مدیران خودرو با وجود آنکه کمتر از ۲۵ درصد سایپا تولید دارد، از نظر ارزش ریالی بازار فاصله کمی با این شرکت پیدا کرده است. این یعنی بخش بزرگی از گردش مالی بازار خودرو به سمت مونتاژی‌های گران‌قیمت رفته است.

اما مسئله فقط قیمت نیست. گزارش نشان می‌دهد میزان داخلی‌سازی در خودروسازان مونتاژی بسیار پایین‌تر از دو خودروساز اصلی کشور است. عمق ساخت داخل در ایران خودرو حدود ۷۷ درصد و در سایپا ۸۱ درصد اعلام شده، اما این عدد برای مدیران خودرو فقط ۲۱ درصد و برای گروه بهمن ۲۳ درصد است.

به زبان ساده، بخش بزرگی از این خودروها عملاً وابسته به واردات قطعات هستند. همین مسئله باعث شده ارزبری آنها بسیار بالا باشد. طبق آمار گزارش، میانگین ارزبری محصولات مدیران خودرو بیش از ۱۴ هزار دلار است؛ عددی که چند برابر خودروهای داخلی ایران خودرو و سایپاست.

این یعنی صنعت خودرو ایران در حالی به سمت مونتاژ خودروهای گران‌قیمت حرکت کرده که نه بازار مصرف گسترده‌ای برای آنها وجود دارد و نه ارزش افزوده داخلی قابل توجهی ایجاد می‌کنند.

واردات آزاد شد، اما نه برای مردم عادی

در سال‌های اخیر یکی از وعده‌های اصلی سیاستگذاران، واردات خودرو برای تنظیم بازار بود. اما گزارش مرکز پژوهش‌ها نشان می‌دهد واردات نیز نتوانسته تغییری در بازار خودروهای اقتصادی ایجاد کند.

طبق این گزارش، در شش‌ماهه نخست ۱۴۰۴ حدود ۲۵ هزار خودرو وارد کشور شده است، اما میانگین ارزش خودروهای وارداتی همچنان بالای ۲۰ هزار دلار است.

مرکز پژوهش‌ها صراحتاً هشدار می‌دهد که برای ایجاد رقابت واقعی در بازار، واردات باید بر خودروهای اقتصادی متمرکز شود، نه خودروهای گران‌قیمت. اما در عمل، واردات بیشتر به بازاری برای خودروهای نیمه‌لوکس و مونتاژی تبدیل شده؛ بازاری که باز هم طبقه متوسط در آن جایی ندارد.

خودروسازان زیان می‌دهند، مردم هم نارا ضی‌اند

شاید عجیب‌ترین بخش ماجرا این باشد که با وجود این قیمت‌های نجومی، خودروسازان بزرگ کشور همچنان زیان‌ده هستند. ایران خودرو در شش‌ماهه نخست ۱۴۰۴ حدود ۱۳.۶ هزار میلیارد تومان زیان خالص ثبت کرده و زیان سایپا به ۲۵.۷ هزار میلیارد تومان رسیده است.

این یعنی در ساختار فعلی، نه مصرف‌کننده راضی است، نه تولیدکننده سود می‌برد و نه سیاستگذار توانسته بازار را کنترل کند. خودروسازان از قیمت‌گذاری دستوری و هزینه‌های تولید می‌نالند، مردم از گرانی و کیفیت پایین ناراضی‌اند و دولت همچنان میان خصوصی‌سازی ناقص، مدیریت شبه‌دولتی و سیاست‌های متناقض سرگردان است.

مرکز پژوهش‌ها در بخش دیگری از گزارش خود تأکید می‌کند که با وجود کاهش سهم مستقیم دولت در ایران خودرو و سایپا، ساختار سهامداری چرخه‌ای باعث شده دولت همچنان نقش تعیین‌کننده در مدیریت این شرکت‌ها داشته باشد.

بازار خودرو؛ روایت فشرده‌ای از اقتصاد ایران

اگر بخواهیم تمام این گزارش را در یک جمله خلاصه کنیم، شاید بتوان گفت بازار خودرو ایران امروز تصویری فشرده از اقتصاد ایران است؛ اقتصادی که در آن طبقه متوسط کوچک‌تر شده، قدرت خرید سقوط کرده، سیاستگذاری از نیاز واقعی جامعه فاصله گرفته و بخش بزرگی از منابع به سمت فعالیت‌هایی رفته که بیش از آنکه تولیدمحور باشند، بر پایه مونتاژ و سوداگری شکل گرفته‌اند.

در چنین شرایطی، طبیعی است که ۸۵ درصد مردم فقط به خودروهای زیر ۱.۵ میلیارد تومان فکر کنند؛ اگرچه همان خودروها هم دیگر برای بسیاری از آنها دست‌نیافتنی شده است.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۲۸۶
Vol.3.No.2286 / May 17.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

انحصار در ساخت سرود تیم ملی مساوی با فراموشی آن



سرود رسمی تیم ملی فوتبال ایران برای جام جهانی ۲۰۲۶، بار دیگر باب نقدها را باز کرده است. اسماعیل امینی، شاعر و منتقد ادبی، در گفت‌وگو با خبرآنلاین، با انتقاد از ادبیات «جنگ‌زده» و کلام دم‌دستی این اثر، تفاوت‌های بنیادین میان «حماسه نظامی» و «رقابت ورزشی» را تبیین کرده و از ریشه‌های یک سوءتفاهم کهنه در مدیریت فرهنگی-ورزشی کشور می‌گوید.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرانلاین فوتبال سال‌هاست که از مرزهای یک مستطیل سبز و تکاپوی نوددقیقه‌ای یازده مرد دوان در پی یک توپ فراتر رفته است. این پدیده، امروز جزیی از فرهنگ عامه، نمادی از هویت مدرن جوامع و ویترینی برای نمایش پویایی، شادی و زیست معاصر یک ملت است.

در این میان، جام جهانی فوتبال مظهر تام و تمام این ضیافت جهانی است؛ جایی که ملت‌ها نه برای جنگ، که برای یک «بازی بزرگ» گردهم می‌آیند. اما در اتمسفر فرهنگی ما، هربار که نوبت به حضور تیم ملی در این آوردگاه می‌رسد، گویی یک سوءتفاهم بزرگ ساختاری و زیبایی‌شناختی میان متولیان امر و ذات این پدیده رخ می‌دهد. این سوءتفاهم کهنه، خود را در جلوه‌گری‌های مختلفی نشان می‌دهد که عیان‌ترین و ملموس‌ترین آن‌ها، «سرود رسمی تیم ملی» است.

با انتشار سرود رسمی تیم ملی برای جام جهانی ۲۰۲۶، بار دیگر همان نشانه‌شناسی آشنا و البته فرساینده به گوش رسید؛ الحانی که بیش از آنکه شور جوانی، پویایی و هیاهوی شادمانه سکوها را بازتاب دهند، شنونده را به یاد فتح‌نامه‌های اساطیری، خطابه‌های رزمی و مرثیه‌های حماسی می‌اندازند. صد البته با نوایی تکراری و شعری که برای آن وقتی گذاشته نشده.

گویی در ذهن تصمیم‌گیرندگان ورزشی و فرهنگی این دیار، هنوز مرز میان «میدان رقابت» و «میدان جنگ» فروریخته است. آن‌ها پنجره مسابقات ورزشی را نه رو به یک فستیوال بزرگ و پرنشاط جهانی، که رو به یک کارزار بقا و ممات باز می‌کنند که در آن یا باید رقیب را «تحقیر» کرد و «تیر خلاص» را به مغزش شلیک کرد، یا در صورت شکست، جامه سرافکندگی بر تن کرد و عزای ملی گرفت.

این رویکرد فرساینده، هنر کلامی پیوندخورده با ورزش را نیز به مسلخ برده است. سرودهایی که قرار است بر لبان تماشاگر پرشور روی سکوها بنشینند و به بخشی از حافظه شنیداری و نوستالژیک یک نسل تبدیل شوند، در پیچ‌وخم کلماتی فاخر اما دم‌دستی، سنگین اما فاقد خلاقیت، و الحانی منجمد میان موسیقی سنتی و پاپ، چنان گرفتار می‌شوند که پس از پایان مسابقات، به سرعت در بایگانی فراموشی تاریخ خاک می‌خورند. این در حالی است که در تمام دنیا، سرودهای جام جهانی آثاری پویا، زاده‌ی متن جامعه، برخاسته از رقابتی آزاد میان هنرمندان برجسته و مهم‌تر از همه، «زمزمه‌پذیر» و هم‌بسته با اتمسفر شاداب جوانی هستند.

برای کالبدشکافی این عارضه ساختاری و واکاوی شعر و کلامی که در سرود اخیر جام جهانی ۲۰۲۶ به کار رفته است، به سراغ اسماعیل امینی رفتیم؛ شاعر، طنزپرداز و منتقد ادبی.

امینی در این گفت‌وگو ، دست روی ریشه‌های این ذهنیت جنگ‌زده در ورزش می‌گذارد و به ما یادآوری می‌کند که چرا راه را اشتباه رفته‌ایم.

کلامی فرسنگ‌ها دور از مستطیل سبز و هیاهوی سکوها

در ابتدای این گفتگو، با طرح سوالی درباره ویژگی‌های ساختاری یک سرود ملی و ورزشی، تفاوت‌های آن با سایر آثار و مؤلفه‌های لازم برای ماندگاری یک اثر در حافظه جمعی، نظر این شاعر را جویا شدیم.

این شاعر با اشاره به این که سرود ملی ورزشی باید حس و حال متناسب با فضای مسابقات را داشته باشد، گفت: «من این سرود را چند بار شنیدم. ببینید، آهنگ و نوای خیلی خوبی دارد؛ البته من در حوزه موسیقی تخصص ندارم ولی از نظر اثرگذاری و از این نظر که بالاخره خلاقانه است، اثر خوبی است. ولی کلام و شعر این اثر، اولا هیچ نشانه‌ای از ورزش در خود ندارد، یعنی کلام آن فقط و فقط حماسی است. ثانیا شاعر از دم‌دستی‌ترین کلمات استفاده کرده است؛ کسی که این متن را گفته انگار اصلا شاعر نبوده است، یعنی همه چیزهای ساده مثل جان و جانان و این سبک واژه‌ها را ردیف کرده است، در حالی که باید فکری می‌کرد و بالاخره خلاقیتی به خرج می‌داد.»

امینی در ادامه تشریح ویژگی‌های یک سرود ماندگار جمعی، به غفلت از نقش مخاطب و تماشاچی در این اثر اشاره کرد و افزود: «نکته دیگری که وجود دارد این است که سازندگان، این ملاحظه را نکرده‌اند که این دست سرودها که برای مناسبت‌ها و مسابقات ورزشی و این‌ها ساخته می‌شوند، باید یک ویژگی خاص داشته باشند تا تماشاگران بتوانند آن را تکرار کنند، بخوانند و در حافظه‌شان بماند. ببینید یک موقع در گذشته، مثلا خیلی قدیم و پیش از انقلاب، سرودی ساخته بودند با مضمون «بچه‌ها متشکریم»؛ خب این را همه در ورزشگاه می‌خواندند. یا مثلا شعارهایی مثل «بچه‌ها گل بزنید» که در یادها می‌ماند؛ یک سرود ورزشی باید حاوی یک چنین چیزهایی باشد.»

بازیکن فوتبال، آرش کمانگیر نیست که جانش را در تیر بگذارد

او با انتقاد از رویکرد حماسی مفرط و پیوند زدن میادین ورزشی با میدان جنگ، تشریح کرد: «نکته دیگر این است که اساسا از اول، یعنی در این دوره‌هایی که ما در جام جهانی شرکت کردیم، یک ذهنیتی در میان تصمیم‌گیرندگان ورزشی وجود دارد که خیال می‌کنند مسابقات ورزشی، حماسه است. معمولا هم بعد از پیروزی‌های ورزشی، سرودهای اساطیری و حماسی پخش می‌کنند؛ مثلا آثاری مثل «سیاوش از آتش گذر کن». نه، مسابقه ورزشی واقعا حماسه نیست، فقط یک رقابت ورزشی است. مسابقه، گذر کردن از آتش نیست؛ بازیکن فوتبال، آرش کمانگیر نیست که جانش را در تیر بگذارد. نه، او نمی‌رود که در زمین مسابقه از جانش بگذرد؛ او به آنجا می‌رود تا مسابقه بدهد و به سلامت هم برمی‌گردد.»

این منتقد ادبی با تاکید بر لزوم تغییر نگاه به مفهوم «رقیب» در ورزش، اظهار داشت: «حتی آن کسی که روبروی این بازیکن ایستاده است که دشمن نیست؛ او هم یک جوانی مثل این جوان است که از یک کشور دیگر آمده است. حتی گاهی ممکن است این‌ها اصلا هم‌باشگاهی باشند؛ یعنی دو تیم ملی متفاوت‌اند ولی در یک باشگاه با هم بازی می‌کنند و حالا در این مسابقه روبروی هم ایستاده‌اند. حتی گاهی دو برادر هستند که این یکی یک تابعیت دارد و آن یکی تابعیت دیگری دارد. این کار خوبی نیست که ما مسابقات ورزشی را حماسه ببینیم و مثلا اگر رقیبمان را شکست دادیم، بگوییم دشمن را شکست داده‌ایم. جنگ و حماسه یک منطق دیگری دارد که بر اساس دفاع از میهن و مقابله با دشمنان است، اما رقابت ورزشی منطق دیگری دارد که بر اساس دوستی است و نه بر اساس دشمنی.»

امینی در ادامه به آسیب‌شناسی ادبیات حاکم بر رسانه‌های ورزشی پرداخت و تصریح کرد: «من دیدم در این گزارش‌های ورزشی مثلا وقتی یکی گل می‌زند، گزارشگر می‌گوید «تیر خلاص را زد»! تیر خلاص مربوط به میدان جنگ است؛ کسی که دارد به حریف گل می‌زند، این کار را برای این انجام نمی‌دهد که او را بکشد یا تحقیر کند. متأسفانه از همین اصطلاحات هم استفاده می‌کنند و مثلا می‌گویند «این گل تحقیرآمیز را زد». در ورزش تحقیر وجود ندارد، رقابت ورزشی است. چنان‌که خب تیم ما هم می‌بازد دیگر، مگر نمی‌بازد؟ خیلی طبیعی است. ما تا حالا در این چند دوره‌ای که به جام جهانی رفته‌ایم مگر باخت نداشته‌ایم؟ بله، باخت داشتیم؛ اما آیا این باخت‌ها به این معنی است که ما تحقیر شدیم؟ یا به این معنی است که دشمن ما را شکست داده است؟ خیر، اسمش رویش است: بازی است. گاهی پیروز می‌شویم و گاهی هم نمی‌شویم. اگر پیروز نمی‌شویم هیچ به معنی سرافکندگی نیست و آن‌جاهایی هم که پیروز می‌شویم، به این معنی نیست که آن رقیب ما سرافکنده شده است. من به نظرم این ملاحظات را متأسفانه دوستانی که این کارها را سفارش می‌دهند، ندارند.»

امینی درباره این پرسش که جدای از بحث وطن‌پرستی، آن حس و حال ورزشی در شعر رعایت نشده است گفت: «وطن‌پرستی جای دیگری است، اینجا جایش نیست. ببینید، اینجا و در میان یک رقابت ورزشی جای این بحث‌ها نیست؛ آن یک جای دیگری است و در جای خودش باید به آن پرداخته بشود. ببینید الان مثلا رایج است دیگر، مربی‌های تیم‌های ملی خیلی‌هایشان مال آن ملت نیستند؛ ما خودمان هم داشتیم دیگر، یک نفر از یک کشور دیگر آمده و مربی تیم ملی ما شده است. آیا او برای خدمت به وطن ما آمده بود؟ از طرف ما هم همین‌طوری می‌شود؛ الان مثلا ما چند تا از کشتی‌گیرهای برجسته‌مان مربی شده‌اند و رفته‌اند مربی تیم‌های کشورهای دیگر شده‌اند. من دیدم در تلویزیون مجری می‌گوید او به وطن خودش پشت کرده است؛ نه، خب این شغل اوست. مگه آن بازیکن خارجی که می‌آید در یک باشگاه بازی یا مربیگری می‌کند، به وطن خودش پشت کرده است؟ کارش است دیگر و هیچ اشکالی ندارد. آمیختن ورزش با این‌جور چیزها به نظر من کار غلطی است.»

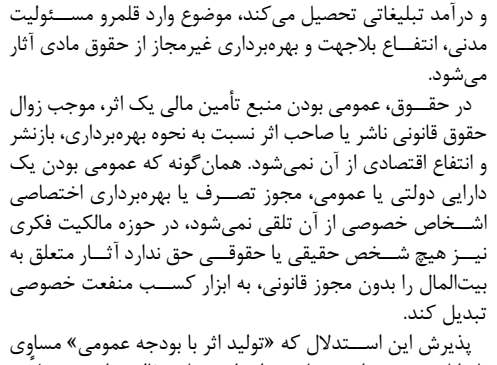
پایان عصر انحصار

در ادامه، درباره فرم و اجرای اثر پرسیدیم، درباره این مسئله که استفاده از خواننده‌های سبک سنتی در اشعار و سرودهای مربوط به تیم ملی چقدر درست و اصولی است؟

امینی با تحلیل سبک اجرای سرود اخیر پاسخ داد: «خواننده این اثر، پرواز همای نه خواننده سنتی است و نه خواننده پاپ؛ یک سبک خاص خودش را دارد. به نظر من این سبک خیلی مناسب این کار نبوده است، منتها نظر من اهمیتی ندارد؛ بالاخره کسانی که سفارش داده‌اند یا آن تصوراتی که مثلا از مسابقات ورزشی و این‌ها داشته‌اند، خیلی موکول به نظر من نیست. من گمان می‌کنم که نه، این انتخاب، مناسب‌ترین انتخاب نیست. حتی من خیال می‌کنم که اگر این کار را می‌کردند، که در همه کشورها هم این کار را می‌کنند، یک رقابت می‌گذاشتند، نتیجه بهتری حاصل می‌شد؛ یعنی مثلا فرض کنید ۱۰ یا ۱۵ خواننده کار تولید می‌کردند و بعد یکی از این‌ها را انتخاب می‌کردند. در کشورهای دنیا هم روال این‌جوری است؛ تیمشان که می‌خواهد به جام جهانی برود، خواننده‌های برجسته هرکدام یک کاری می‌سازند و بعد آن فدراسیون می‌آید و یکی از آن‌ها را به عنوان سرود رسمی انتخاب می‌کند. کار را به صورت سفارشی به کسی نمی‌دهند؛ اگر فضا رقابتی باشد، فکر می‌کنم خیلی منطقی‌تر است.»

خبر

واکنش صداوسیما به پرونده آپارات



سازمان صداوسیما درباره پرونده آپارات در توضیحاتی نوشت که موضوع پرونده صرفا «انتشار محتوا» نیست؛ بلکه نفع اقتصادی حاصل از انتشار غیرمجاز آثار است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از روابط عمومی صداوسیما، پرونده آپارات و شکایت حقوقی صداوسیما از این سرویس، این روزها مباحث مختلفی را در رسانه ها مطرح کرده که درهمین راستا روابط عمومی صداوسیما در اطلاعیه ای نسبت به ماجرای این پرونده نکاتی را متذکر شده است.

در متن این اطلاعیه آمده است:

در تحلیل حقوقی پرونده آپارات یک مغالطه بنیادین در حال تکرار است؛ برخی با خلط میان «حق دسترسی عمومی» و «حق بهره‌برداری اقتصادی»، تلاش می‌کنند موضوع را صرفاً به محدودسازی دسترسی مردم به محتوای عمومی تقلیل دهند، در حالی که ماهیت واقعی پرونده، بهره‌برداری تجاری بدون مجوز از آثار متعلق به بیت‌المال و تحصیل منفعت اقتصادی از محل آن است.

مطابق مستندات پرونده، بیش از ۱۶ هزار قسمت از آثار سازمان صداوسیما اعم از سریال، مستند، تله‌فیلم و پویانمایی، طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ به‌صورت گسترده و مستمر در بستر آپارات منتشر شده است. این نقض، محدود به یک کاربر یا یک کانال خاص نبوده، بلکه در ابعاد سازمان‌یافته و طی سالیان متمادی استمرار داشته است.

همزمان، سازمان صداوسیما طی سال‌ها با ارسال اظهارنامه‌های رسمی، اعلام مصادیق تخلف و معرفی کانال‌های ناقض، خواستار توقف انتشار غیرمجاز آثار و جلوگیری از نقض حقوق مالکیت شده بود، اما بنا بر مفاد پرونده، اقدامات مؤثر و بازدارنده‌ای در این خصوص صورت نگرفت.

نکته اساسی آن است که موضوع پرونده صرفاً «انتشار محتوا» نیست؛ بلکه انتفاع اقتصادی حاصل از انتشار غیرمجاز آثار است. هنگامی که یک پلتفرم از محل انتشار این محتوا، ترافیک، بازدید و درآمد تبلیغاتی تحصیل می‌کند، موضوع وارد قلمرو مسئولیت مدنی، انتفاع بلاجهت و بهره‌برداری غیرمجاز از حقوق مادی آثار می‌شود.

در حقوق، عمومی بودن منبع تأمین مالی یک اثر، موجب زوال حقوق قانونی ناشر یا صاحب اثر نسبت به نحوه بهره‌برداری، بازنشر و انتفاع اقتصادی از آن نمی‌شود. همان‌گونه که عمومی بودن یک دارایی دولتی یا عمومی، مجوز تصرف یا بهره‌برداری اختصاصی اشخاص خصوصی از آن تلقی نمی‌شود، در حوزه مالکیت فکری نیز هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق ندارد آثار متعلق به بیت‌المال را بدون مجوز قانونی، به ابزار کسب منفعت خصوصی تبدیل کند.

پذیرش این استدلال که «تولید اثر با بودجه عمومی» مساوی با «اباحه بهره‌برداری تجاری برای اشخاص ثالث» است، عملاً به معنای مشروعیت‌بخشی به تصرف و خصوصی‌سازی منافع حاصل از اموال عمومی خواهد بود؛ امری که نه با اصول حقوق مالکیت سازگار است و نه با قواعد ناظر بر صیانت از بیت‌المال.

بر همین مبنا نیز، پس از سال‌ها رسیدگی قضایی، برگزاری ده‌ها جلسه کارشناسی، بررسی بیش از ۵۰۰۰ سند و صرف بیش از ۳۰۰۰ ساعت کارشناسی تخصصی، دادگاه حکم به پرداخت ۳۶۰۰ میلیارد تومان خسارت صادر کرده است؛ خسارتی که ناظر بر منافع اقتصادی تحصیل‌شده، آثار ناشی از نقض حقوق مالکیت و ورود ضرر مادی و معنوی به صاحب اثر بوده است.

از این‌رو، رأی صادره ناظر بر «محدودسازی دسترسی عمومی» نیست؛ بلکه معطوف به مسئولیت حقوقی و اقتصادی ناشی از بهره‌برداری غیرمجاز از آثار متعلق به بیت‌المال و جلوگیری از تحصیل منفعت خصوصی از دارایی عمومی است.

مرز دسترسی عمومی و انتفاع خصوصی دقیقاً در همین نقطه تعریف می‌شود: حق دسترسی عمومی، مجوز انتفاع تجاری بدون مجوز قانونی از اموال عمومی و آثار متعلق به بیت‌المال نیست.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ / سال هفتم / شماره ۲۲۸۶
Vol.3.No.2286 / May 17.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

هشدار؛ ساخت و ساز در کمربند جنوبی مشهد

نایب رییس شورای اسلامی شهر مشهد گفت: طی هفته‌های گذشته در جریان غفلت شورای شهر؛ دوباره تصمیماتی برای شروع ساخت و سازها در کمربند جنوبی گرفته شد که بستر آن در کمیسیون ماده ۵ مهیا شده است حال آنکه ارتفاعات جنوبی متعلق به همه مردم مشهد است و باید جزو انفال محسوب شود.

خلیل موحدی روز گذشته در هشتادمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر مشهد افزود: استفاده اختصاصی از کمربند جنوبی پذیرفتنی نیست.

وی اضافه کرد: رهبر شهید انقلاب بارها اعلام کرده بودند که هرگونه ساخت‌وساز در ارتفاعات جنوبی مشهد باید جرم‌انگاری شود و در این راستا در دوره فعالیت شورای چهارم مشهد کمربند جنوبی از طرح تفصیلی شهر خارج شد، اما اکنون این طرح نیز در حال احیاء است.

نایب رییس شورای اسلامی شهر مشهد ادامه داد: چنین وضعیتی در مناطقی مانند لویزان تهران هم که پیش‌تر روستاهایی خوش‌آب‌وهوا بودند و اینک با توسعه ساخت‌وساز مواجهند، شاهدیم اما در شهرهایی مانند سنندج مردم از ارتفاعات خود حفاظت کرده می کنند و باید این موضوع در مشهد نیز فرهنگ‌سازی شود.

سخنگوی شورای اسلامی شهر مشهد نیز در تذکری اظهار کرد: شهرداری چندی قبل مزایده‌ای برگزار کرده و قراردادی مدت‌دار منعقد شده اما اینک باخبر شدیم این قرارداد اقاله (توافق دو طرف برای برهم زدن قرارداد) شده که نهاد تصمیم گیرنده غیر از شهرداری و شورای شهر بوده است.

موسی الرضا حاجی بگلو افزود: به لحاظ حقوقی مصوبات شورا مورد تایید کمیته انطباق است و هیچ شخص حقیقی و حقوقی جز دیوان عدالت اداری نمی تواند مصوبه را ابطال کند و باید شهرداری و شورا در این خصوص تصمیم گیری کنند

حسن موحدیان رییس شورای اسلامی شهر مشهد دستور داد: چرایی و چگونگی موضوع از شهرداری پیگیری شود.

همچنین در این جلسه با موافقت اعضای شورای شهر بوستان ۳.۵ هکتاری واقع در خیابان شهید حنایی به نام «شهدای دبستان شجره طیبه میناب» نام‌گذاری وخیابان شهید مفتح ۱۴ نیز با حفظ شماره به نام پرستار شهید «حسین عشقی» مزین شد.

به گزارش ایرنا، داستان ساخت و ساز در ارتفاعات مشهد سابقه طولانی دارد، پروژه آزادراه و کمربند جنوبی مشهد از انتهای بولوار شهید برونسی تا اتوبان مشهد - باغچه به طول ۲۷ کیلومتر طراحی شده بود و ساخت آن از اواخر دهه ۷۰ در دستور کار شهرداری مشهد قرار گرفت و پس از انجام مطالعات به پیمانکار واگذار شد.

این طرح که در مرحله نخست به طول ۱۲ کیلومتر از انتهای بولوار شهید برونسی تا انتهای بولوار طالقانی به بزرگراه شهید کلانتری متصل می شد، حدود ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت و هزار و ۸۰۰ میلیارد ریال برای آن هزینه شده بود اما دادستان مشهد ۲۷ اسفند ۱۳۹۶ اعلام کرد به علت نداشتن پیوست زیست محیطی هرگونه فعالیت برای ادامه اجرای طرح ساخت کمربند جنوبی مشهد تخلف است و با متخلفان برخورد قانونی می‌شود.

پس آن با موافقت ستاد تدبیر استان، طرح «کوه‌پارک» با کاربری عمومی برای تسهیل دسترسی شهروندان به ارتفاعات جنوبی در دستور



کار قرار گرفت و این طرح در ارتفاعات جنوبی شهر و انتهای بلوار «دلاوران» این شهر پس از توقف طرح کمربند جنوبی تعریف و اجرایی شد.

اکنون اما چند وقتی است که موضوع ساخت و ساز در ارتفاعات جنوبی مشهد دوباره مطرح شده است.

معاون انجمن داروسازان کشور:

سهم ارز ترجیحی در هزینه تولید دارو فقط ۳۰ درصد است



معاون حقوقی و عضو هیات مدیره انجمن داروسازان کشور گفت: یکی از مهمترین چالش‌های موجود در حوزه تولید محصولات دارویی در کشور این است که دولت فقط برای ماده اولیه و ماده موثره تولید دارو که حدود ۳۰ درصد هزینه تولید را در برمی‌گیرد، ارز ترجیحی می پردازد و ۷۰ درصد دیگر هزینه ها تابع ارز آزاد است.

دکتر مرضیه بذرافشان روز شنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: حدود ۷۰ درصد هزینه‌های تولید دارو از جمله هزینه تامین مواد جانبی دارویی(اکسیپیانت‌ها)، کاغذ، چاپ، پلاستیک، پلیمر و غیره تابع ارز آزاد بوده و برای آن ارز ترجیحی پرداخت نمی‌شود.

وی بیان کرد: یکی از بزرگترین و مهمترین علل کمبودهای دارویی در کشور و به تبع آن در استان به ویژه در ایام جنگ تحمیلی سوم قیمت‌گذاری دستوری بدون لحاظ هزینه‌های واقعی تولید دارو از جمله هزینه‌های جانبی تولید دارو است که به تولید کننده تحمیل می‌شود.

دبیر انجمن داروسازان خراسان رضوی هشدار داد: وقتی تولید یک محصول دارویی برای تولیدکننده به صرفه نباشد این امر سبب تعطیلی خطوط تولید دارو، تعدیل نیرو و در نهایت کمبود محصول می‌شود.

بذرافشان افزود: از این رو هزینه‌های جانبی تولید دارو باید در قیمت‌گذاری دارویی لحاظ شود تا پس از چند سال اصلاح قیمت دارو منجر به کاهش توان خرید توسط داروخانه ها و ایجاد کمبود دارویی و در پی آن بروز مشکل برای بیماران در تهیه دارو نشود.

زوم بر روزرسانی ساختار پلکانی ضوابط قیمت‌گذاری دارو در زمان اصلاح قیمت‌ها

معاون حقوقی و عضو هیات مدیره انجمن داروسازان کشور بیان کرد: یکی دیگر از مشکلات حوزه دارو آنکه که ساختار پلکانی ضوابط قیمت‌گذاری دارو در زمان اصلاح نرخ ها، بروزرسانی نمی‌شود به گونه‌ای که حاشیه سود قیمت جدید از حاشیه سود قیمت قبلی پایین‌تر است.

وی عنوان کرد : با احتساب هزینه‌های داروخانه، مالیات پرداختی و تاخیر چند ماهه در تسویه مطالبات بیمه‌ای عملا خرید بسیاری از اقلام دارویی برای داروخانه مقرون به صرفه نیست و گردش کمّی حاصل از تامین و عرضه این داروها را در داروخانه با مشکل مواجه می‌کند.

وی ابراز امیدواری کرد: سازمان غذا و دارو برای چابکی زنجیره تامین دارو زودتر در این حوزه ورود کند و پلکان ضوابط قیمت‌گذاری دارویی بروز رسانی و اصلاح شود.

کمبود نقدینگی داروخانه‌ها، عامل مهم دیگر در ایجاد کمبودهای دارویی

دبیر انجمن داروسازان خراسان رضوی ایجاد بحران کمبود نقدینگی داروخانه‌ها را عامل مهم دیگر در ایجاد کمبودهای دارویی عنوان کرد و گفت: علت اصلی ایجاد این کمبود نقدینگی تاخیر در بازپرداخت مطالبات داروخانه‌ها از سوی سازمان‌های بیمه‌گر اعم از بیمه‌های پایه و تکمیلی و افزایش روزافزون هزینه‌های جاری داروخانه‌ها در ارائه خدمات دارویی است.

دکتر بذرافشان افزود: هم اینک مطالبات معوق داروخانه‌های استان از بیمه سلامت حدود هفت ماه، از بیمه تامین اجتماعی حدود پنج ماه و از بیمه نیروهای مسلح سه ماه است.

وی ادامه داد: این تاخیر در پرداخت مطالبات و ایجاد بحران کمبود نقدینگی داروخانه‌ها سبب می‌شود آنها توان تامین دارو به ویژه درمورد داروهای گران قیمت بیماران خاص و صعب العلاج را نداشته باشند.

معاون حقوقی و عضو هیات مدیره انجمن داروسازان کشور بیان کرد: با این وجود داروخانه‌های خصوصی استان و کشور تاکنون با تامین هزینه تامین دارو از سرمایه شخصی خود همچون سابق در حال خدمت‌رسانی بیمه‌ای بیماران‌هستند.

۵۱۱/۱اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تایباد

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳قانون و ماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر آرا شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۹۰۰۲- ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۱۹۵هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای محمد حسین صفری به شناسنامه شماره ۳۵۹ کد ملی ۰۷۴۸۴۸۴۱۹۱ صادره تایباد فرزند محمد طاهر در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۱۷.۲۰ متر مربع پلاک شماره ۲۵۱-اصلی-واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴مشهد حوزه ثبت ملک تایباد واز محل قسمتی از مالکیت حسین ابراهیمی و قسمتی از پلاک وهمچنین آقای نعمت نوری فیض آبادی به شناسنامه شماره ۶۶۵۲ کد ملی ۰۷۴۸۴۰۶۱۷۴ صادره تایباد فرزند نور محمد در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۳۵۲.۵۰ متر مربع پلاک شماره ۷۳۷فرعی از ۲۵۰-اصلی-واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴مشهد حوزه ثبت ملک تایباد واز محل تمامت مالکیت آقای داود یوسفعلی زاده و قسمتی از پلاک محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۲/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۲/۲۷

رسول طاهری زاده رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

۵۱۱/۲اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تایباد

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳قانون و ماده ۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر آرا شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۱۶۷- ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۱۶۶هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم کمخواه داودی به شناسنامه شماره ۵ کد ملی ۰۷۴۹۴۵۴۸۰۶ صادره تایباد فرزند عظیم و همچنین خانم پروانه نوری فیض آبادی به شناسنامه شماره ۵۱۱ کد ملی۰۷۴۹۳۸۹۵۱۶ صادره تایباد فرزند نور محمد هر کدام در سه دانگ از ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۳۱۲.۵۰ متر مربع پلاک شماره ۲ فرعی از ۲۵۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴مشهد حوزه ثبت ملک تایباد واز محل تمامت مالکیت متقاضی و قسمتی از پلاک محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۲/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۲/۲۷

رسول طاهری زاده رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

۵۱۱/۳آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۱۱۰۱۵۱۵۰ مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۹هیات قانون مذکورمستقر در ثبت سبزوار تصرفات مالکانه و بلا معارض علی لیموئی بجدنی به ش ش ۰۷۸۰۱۷۸۹۲۰وشماره ملی ۰۷۸۰۱۷۸۹۲۰صادره از سبزوارفرزندابراهیم درسه دانگ مشاع ازششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۰/۹۵مترمربع قسمتی از پلاک ۳۳۶فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳سبزوارکه مع الواسطه از محل مالک مالکیت عباس عاطفی زاده محرزگردیده است . لذا مراتب به منظور اطلاع عموم دردونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود راه به این اداره تسلیم وضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند.در صورت انقضای مهلت مذکورعدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۵/۷۰۰۳

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم۱۴۰۵/۲/۲۷

رئیس ثبت اسناد واملاک سبزوار-علی آب باریکی

۵۱۱/۴آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۱۱۰۰۹۸۲۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۷/۲۲هیات قانون مذکورمستقر در ثبت سبزوار تصرفات مالکانه و بلا معارض علی اکبر زرقی به ش ش ۶۳۴وشماره ملی ۰۷۹۱۴۱۲۵۰۴صادره از سبزوارفرزندعباسعلی درششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۶/۹۳مترمربع قسمتی از پلاک ۲۱۰فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۱۲سبزوارکه مع الواسطه از محل مالک مالکیت علی جعفری محرزگردیده است . لذا مراتب به منظور اطلاع عموم دردونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود راه به این اداره تسلیم وضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند.در صورت انقضای مهلت مذکورعدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد . مالف ۴۰۵/۷۰۰۱

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم۱۴۰۵/۲/۲۷

رئیس ثبت اسناد واملاک سبزوار-علی آب باریکی

۵۱۱/۵آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۱۱۰۱۵۱۴۹ مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۹هیات قانون مذکورمستقر در ثبت سبزوار تصرفات مالکانه و بلا معارض مریم ابارشی به ش ش ۳۳۳۹۹وشماره ملی ۰۷۹۰۳۳۱۱۸۷صادره از سبزوارفرزناصغر درسه دانگ مشاع ازششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۰/۹۵مترمربع قسمتی از پلاک ۳۳۶فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳سبزوارکه مع الواسطه از محل مالک مالکیت عباس عاطفی زاده محرزگردیده است . لذا مراتب به منظور اطلاع عموم دردونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود راه به این اداره تسلیم وضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند.در صورت انقضای مهلت مذکورعدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد . مالف ۴۰۵/۷۰۰۳

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم۱۴۰۵/۲/۲۷

رئیس ثبت اسناد واملاک سبزوار-علی آب باریکی

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۲۸۶
Vol.3.No.2286 / May 17.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

چالش همزمان چاقی و سوءتغذیه؛

بحران پنهان در سفره‌های ایرانی



مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، با اشاره به وضعیت تغذیه در کشور و تصویری دوگانه از «چاقی» و «کمبودهای تغذیه‌ای»؛ در عین حال «آهن، ویتامین D و ید» را در صدر فهرست کمبود ریزمغذی‌ها خواند و با تاکید بر روند رو به بهبود سوء تغذیه در کشور با اجرای طرح امنیت غذایی کودکان، همچنین نسبت به تبلیغات نادرست و تغییر در الگوهای مصرف از جمله در نمک یددار و ایجاد مشکل در سلامت عمومی هشدار داد.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به قل از ایسنا دکتر احمد اسماعیل‌زاده درباره وضعیت سوءتغذیه در کشور گفت: رعایت اعتدال در تغذیه ضروری است؛ یعنی بیش‌خواری و کم‌خواری نداشته باشیم. سوءتغذیه فقط به معنای کمبود نیست؛ چاقی و لاغری هر دو نوعی سوءتغذیه محسوب می‌شوند. کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با بار دوگانه سوءتغذیه مواجه‌اند؛ به این معنا که در برخی مناطق کمبودهای تغذیه‌ای و در برخی مناطق شیوع بالای چاقی وجود دارد و حتی ممکن است در یک خانواده همزمان فردی چاق و فردی دچار کم‌خونی باشد.

وضعیت سوءتغذیه در کشورهای در حال توسعه

او درباره وضعیت سوءتغذیه در کشورهای پیشرفته و فقیر خاطرنشان کرد: سوءتغذیه در کشورهای پیشرفته نسبت به کشورهای درحال توسعه بسیار کمتر است و با بیماری‌های ناشی از زیادی تغذیه مواجه هستند. کشورهای بسیار فقیر نیز با بیماری‌های کمبود تغذیه‌ای مواجه هستند. وضعیت کشورهای پیشرفته و فقیر مشخص است؛ بر همین اساس، به راحتی می‌توانند سیاستگذاری‌های لازم را داشته باشند.

تصویری دوگانه از وضعیت سوءتغذیه؛ همزمانی چاقی و لاغری

این متخصص تغذیه درباره سیاستگذاری‌های تغذیه‌ای در کشورهای در حال توسعه تصریح کرد: دوگانگی، سیاست‌گذاری را دشوار می‌کند؛ چرا که همزمان با چاقی و سوءتغذیه مواجه هستند. به طور مثال، اگر یک سیاست کشوری درباره چاقی تعریف کنیم در استان‌های جنوب‌شرقی که مشکل چاقی در آن برجسته نیست با مشکل مواجه می‌شویم و نمی‌توانیم آن برنامه را در کل کشور اجرا کنیم. به همین دلیل، علاوه بر سیاست‌های ملی، دانشگاه‌های علوم پزشکی اختیار دارند متناسب با شرایط استان‌ها برنامه‌های بومی برای مقابله با چاقی یا سوءتغذیه تدوین و اجرا کنند.

وضعیت سوءتغذیه در ایران

مدیرکل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت درباره آمار سوءتغذیه گفت: براساس آخرین داده ملی سوءتغذیه که برای سال ۱۳۹۶ است، شیوع کوتاه‌قدی و لاغری در کودکان زیر پنج سال که دو شاخص بارز سوءتغذیه محسوب می‌شود، ۴.۸ تا ۵.۲ است. متوسط شیوع کوتاه‌قدی و لاغری در کودکان زیر پنج سال کشور حدود ۵ درصد است اما این وضعیت در برخی استان‌ها به ۱۵ درصد می‌رسد و برخی استان‌ها نیز حدود ۲ تا ۳ درصد است.

نگرانی از کمبودهای تغذیه‌ای به‌دنبال افزایش قیمت‌ها

این متخصص تغذیه درباره شرایط اقتصادی سال‌های اخیر اظهار کرد: با توجه به سخت‌تر شدن وضعیت معیشتی، افزایش تحریم‌ها و کاهش توان خرید مردم، نگرانی ما این است که کمبودهای تغذیه‌ای افزایش یافته باشد. پیمایش ملی تغذیه انجام خواهد شد تا آمار به‌روز در اختیار داشته باشیم و بر اساس آن سیاستگذاری کنیم.

وضعیت کمبود ریزمغذی‌ها در کشور

اسماعیل‌زاده با بیان اینکه سوءتغذیه فقط به معنای کوتاه‌قدی و لاغری نیست، گفت: کم‌خونی، کمبود ویتامین D و کمبود ید نیز از مصادیق سوءتغذیه است که تمام این موارد، کمبود ریزمغذی‌ها محسوب می‌شوند. در حال حاضر شیوع کم‌خونی در دختران دبیرستانی و زنان در سنین باروری حدود ۲۱ تا ۲۲ درصد و کمبود ویتامین D بالای ۵۵ تا ۶۰ درصد گزارش شده است.

تبلیغ نمک‌های غیراستاندارد و خطر بازگشت به دوران کمبود یُد

وضعیت نامناسب مصرف ید در زنان باردار؛ تهدید رشد ذهنی نوزادان

مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت با بیان اینکه سال‌ها به عنوان کشور دارای کفایت ید شناخته می‌شدیم، افزود: غنی‌سازی نمک با ید اجرا شد و به همین دلیل جزو کشورهای باکفایت ید محسوب می‌شدیم. برخی باورهای نادرست و تبلیغات حوزه نمک سبب شده که از نظر وضعیت ید به مرزهای هشدار نزدیک شویم. وضعیت مصرف ید دانش‌آموزان در تمام کشور به جز چند استان در شرایط مطلوب است اما درحال نزدیک‌شدن به خط نارنجی نزدیک هستیم. وضعیت مصرف ید در زنان باردار به هیچ‌وجه مناسب نیست؛ اگر این روند ادامه یابد، خطر کاهش ضریب هوشی کودکان و بروز عقب‌ماندگی‌های ذهنی وجود دارد. یدرسانی به همکاری همه‌جانبه نیاز دارد و در این باره می‌بایست دست به دست هم دهیم.

وضعیت مالی، تنها عامل سوءتغذیه نیست

مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت درباره علل سوءتغذیه گفت: فقر اقتصادی، علت اصلی سوءتغذیه فقر در تمام دنیا است؛ اما ابتلا به سوءتغذیه به این معنا نیست که تمام موارد، ناشی از فقر مالی باشد. فقر دانش و سواد سلامت نیز در ابتلا به سوءتغذیه نقش دارد؛ به طور مثال، فرزندان برخی خانواده‌هایی که وضعیت اقتصادی خوبی دارند به لاغری یا کوتاه‌قدی مبتلا هستند. اگرچه دانش و سواد سلامت بر بروز سوءتغذیه نقش دارد اما زور فقر اقتصادی بر مولفه سواد سلامت می‌چربد.

وضعیت سوءتغذیه در استان‌های کم‌برخوردار

اسماعیل‌زاده درباره پراکندگی جغرافیایی سوءتغذیه در ایران تصریح کرد: سوءتغذیه در استان‌های کم‌برخوردار مانند سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان، خراسان جنوبی و ایلام بیشتر است. مولفه‌هایی مانند وضعیت اشتغال و درآمد والدین و همچنین دسترسی به غذا و تولیدات کشاورزی در وضعیت سوءتغذیه نقش دارند. استان‌هایی که لم‌یزرع هستند و فرصت شغلی خوبی ندارند با موضوع سوءتغذیه بیشتر درگیر هستند. به هیچ‌وجه زیبنده نیست که بگوییم برخی استان‌های کشور با سوءتغذیه دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

اجرای طرح امنیت غذایی کودکان و حرکت در مسیر ریشه‌کنی سوءتغذیه

او ادامه داد: اگرچه به دنبال اقدامات انجام شده، وضعیت سوءتغذیه در کشور بهبود یافته اما می‌بایست این مساله به طور کامل برطرف شود و به عنوان یک حکومت مسلمان می‌بایست به تمام افراد نیازمند کمک شود و سوءتغذیه ریشه‌کن شود. بر همین اساس هم کشور در مسیر ریشه‌کنی سوءتغذیه حرکت می‌کند؛ خوشبختانه با اجرای طرح امنیت غذایی کودکان، وضعیت تغذیه در استان‌های کم‌برخوردار رو به بهبود است اما در این میان شرایط اقتصادی نیز بسیار موثر است. امیدوارم که کشور با جدیت بیشتری به پای کار آید و کشوری داشته باشیم که مشکل سوءتغذیه نداشته باشیم.

نقشه کمبود ریزمغذی‌ها در ایران

مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت درباره کمبود ریزمغذی‌ها گفت: کمبود آهن، ویتامین D و ید، سه کمبود مهم کشور هستند. کمبود روی و ویتامین A از گذشته مطرح است؛ همچنان با کمبود روی مواجه هستیم اما برنامه مکمل‌یاری مگادوز ویتامین A با همکاری یونیسف در استان‌های محروم انجام می‌شود و بر همین اساس نیز وضعیت رو به بهبود است. کمبود ویتامین B۲ نیز به دلیل مصرف پایین لبنیات گزارش شده که در پیمایش جدید بررسی خواهد شد.

برنامه‌هایی برای مدیریت سوءتغذیه در کشور

اسماعیل‌زاده با اشاره به اجرای طرح امنیت غذایی کودکان اظهار کرد: سیاست‌های حمایتی در دنیا، آزمون خود را پس داده‌اند؛ به طور مثال بیش از ۵۰ سال است که برنامه «WIC» در Women, Infant and Children آمریکا اجرا می‌شود و توانسته سوءتغذیه و هم چاقی را کنترل کند. وزارت بهداشت با همکاری وزارت رفاه و سازمان برنامه و بودجه، برنامه امنیت غذایی کودکان را طی ۳ سال اخیر اجرا کرده و ارزشیابی‌ها نشان می‌دهد ۲۰ تا ۳۰ درصد کودکان تحت پوشش این برنامه از وضعیت سوءتغذیه خارج شده‌اند.

چالش‌های طرح امنیت غذایی کودکان

وی با بیان اینکه چالش‌های متعددی بر مسیر طرح امنیت غذایی کودکان وجود دارد، افزود: اعتبار، یکی از چالش‌های این برنامه است و با اعتبار کنونی نتوانسته‌ایم تمام کودکان را تحت پوشش قرار دهیم. در حال حاضر، حدود ۲۰۰ هزار کودک تحت پوشش قرار گرفتند، در حالی که تعداد کودکان نیازمند بیشتر است و آمار کودکان مبتلا به سوءتغذیه از این تعداد بیشتر است. دفتر بهبود تغذیه از دولتمردان می‌خواهد اعتبارات کافی و به‌موقع را تخصیص دهند؛ چراکه تأخیر درتامین اعتبار باعث می‌شود کودک در ماه‌های بحرانی رشد، مواد مغذی کافی دریافت نکند و فرصت جبران از دست برود. اجرای این طرح به معنای رسیدن اعتبار به گروه هدف واقعی است.

او درباره شارژ کارت‌های بانکی امنیت غذای گفت: حدود ۳ سال از زمان اجرای طرح امنیت غذایی کودکان می‌گذرد و طی این مدت، شارژ کارت بانکی را در ماه‌های پایانی سال شارژ کرده‌اند. اعتباری که برای امنیت غذایی کودکان تخصیص یافته، می‌بایست به درستی هزینه شود. اگر این اعتبار به درستی هزینه شود، می‌توانیم ادعا کنیم آمار سوءتغذیه در کشور کاهش یافته است.

احتمال کاهش مصرف لبنیات و پروتئین در دهک‌های پایین

مدیرکل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت درباره تأثیر افزایش قیمت‌ها بر سبد غذایی خانوار نیز گفت: در حال حاضر، آمار به‌روز سالانه از مصرف مواد غذایی در دست نیست؛ به همین دلیل خواهان اجرای پیمایش ملی در حوزه تغذیه طی سال جاری هستیم. براساس کاهش توان مالی خانوارها، انتظار کاهش مصرف لبنیات، میوه، سبزیجات و منابع پروتئینی به‌ویژه در دهک‌های پایین وجود دارد. امکان ارائه آمار سالانه درباره مصرف پروتئین، لبنیات و سایر گروه‌های غذایی با اجرای پیمایش تغذیه‌ای فراهم می‌شود.

نقشه امنیت غذایی کشور در حال به‌روزرسانی

اسماعیل‌زاده درباره پیمایش ملی تغذیه توضیح داد: به منظور ارزیابی وضعیت تغذیه جامعه می‌بایست چند شاخص مانند امنیت غذایی، وضعیت ریزمغذی‌ها از طریق نمونه‌گیری خون و ادرار، سواد تغذیه، دریافت‌های غذایی و شاخص‌های تن‌سنجی مانند کوتاه‌قدی و لاغری می‌بایست بررسی شود. اگرچه این موارد به صورت جداگانه بررسی شده‌اند اما تصویر جامعی ارائه نداده‌اند. براساس هماهنگی انجام‌شده، این شاخص‌ها به‌صورت یکپارچه در تمام گروه‌های سنی بررسی می‌شود. همچنین نقشه امنیت غذایی کشور در حال به‌روزرسانی است تا وضعیت استان‌ها مشخص و مبنای تصمیم‌گیری دستگاه‌ها قرار گیرد.

او ادامه داد: کارهای اولیه را انجام داده‌ایم و اعتبار این پیمایش را تامین کرده‌ایم. هم‌اکنون، در انتظار شروع فاز میدانی هستیم و پیش‌بینی می‌کنم مرحله عملیاتی حدود یک تا یک‌ونیم سال به طول خواهد انجامید تا داده‌ها جمع‌آوری و تحلیل شوند و بر اساس آن، تصویر به‌روز از وضعیت تغذیه و امنیت غذایی کشور به دست آید. هدف و تصمیم این است که پیمایش غذایی هر ۵ تا ۷ سال یک‌بار تکرار شود تا از روند وضعیت تغذیه مردم اطلاع داشته‌باشیم.

تقسیم کشور به شش منطقه یا سطوح مختلف امنیت غذایی

وی درباره جمع‌آوری اطلاعات و نمونه‌های مطالعاتی پیمایش گفت: کشور به شش منطقه یا سطوح مختلف امنیت غذایی تقسیم شده و یک یا دو استان به صورت تصادفی از هر منطقه انتخاب می‌شوند. سپس، خانوارهای متعدد در این استان‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب و شاخص‌ها و پرسشنامه‌های متعدد تکمیل خواهد شد تا مبنای قضاوت علمی و سیاست‌گذاری قرار گیرد.

او افزود: شاخص‌های تغذیه، شاخص‌های مربوط به کوتاه‌قدی، لاغری، دریافت‌های غذایی، کم‌خونی و ویتامین‌ها از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ در قالب یک کتابچه منتشر شده و به زودی رونمایی می‌شود.

توصیه به خانواده‌ها برای جایگزینی پروتئین گیاهی با حیوانی

اسماعیل‌زاده با اشاره به وضعیت معیشتی خانوارها و نگرانی از تشدید کمبودهای تغذیه‌ای، توصیه کرد: حتی اگر خانواده‌ها امکان خرید گوشت، مرغ یا ماهی را ندارند، حتما پروتئین‌های گیاهی مانند حبوبات و سویا را در رژیم غذایی خود بگنجانند، به‌ویژه برای کودکان در سن رشد. تخم‌مرغ نیز به عنوان منبع پروتئین مناسب نباید فراموش شود. اگرچه گرانی را تجربه می‌کنیم اما همچنان سالم خوردن، از مصرف غذاهای ناسالم به‌مراتب ارزان‌تر است. به طور مثال، قیمت یک پیتزا، حداقل ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان است و یک نفر هم می‌تواند به تنهایی بخورد. این در حالی است که خرید یک کیلو میوه حدودا ۱۵۰هزار تومان هزینه دارد و چند نفر می‌توانند مصرف کنند. این فرصت کمک می‌کند که نه فقط تغذیه سالم رعایت شود، بلکه هزینه‌های درمانی ناشی از تغذیه ناسالم را کاهش یابد.

اسماعیل‌زاده درباره تعریف بشقاب سالم نیز توضیح داد: تمام اعضای جامعه با هرم غذایی آشنا هستند. در حال حاضر، «بشقاب سالم» را جایگزین هرم غذایی کرده‌ایم؛ بشقابی که سهم هر گروه غذایی از تغذیه روزانه را نشان می‌دهد.

او در بخش پایانی صحبت‌هایش درباره استفاده از کالابرگ برای خرید کالای سلامت گفت: اقلامی که لیست در کالابرگ قرار دارند، بر اساس کمبودهای مواد مغذی و سلامت کشور انتخاب شده‌اند. این اقلام شامل لبنیات، گوشت، تخم‌مرغ و حبوبات هستند که تأمین‌کننده بخش قابل‌توجهی از نیازهای تغذیه‌ای گروه‌های سنی مختلف هستند. متأسفانه، برخی افراد، اقلام خارج از لیست توصیه‌شده را انتخاب می‌کنند که هیچ ارزش تغذیه‌ای ندارند.

شرایط ویژه اشتراک انبوه
برای پیک موتوری‌ها، باربری‌ها و شرکت‌های خدماتی
روزنامه صبح امروز
با ما تماس بگیرید:
۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱ – ۰۹۳۶۰۵۶۶۶۳۶

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ / سال هفتم / شماره ۲۲۸۶
Vol.3.No.2286 / May 17.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com
۸

روزنامه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خراسان رضوی و شمالی
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: حسین رفیعی
صفحه آرا: زینب پاک منظر
روابط عمومی وامور مشترکین: ۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱
سازمان آگهی‌ها: ۳۸۹۲۹۸۲۳-۰۵۱
نشانی: بولوار دانش آموز – دانش آموز ۳۰-پلاک ۴
تلفن:۳۸۹۲۹۸۲۴-۳۸۹۲۹۸۲۵
نمابر: ۳۸۹۲۳۴۵۲ – ۰۵۱ سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰۸۰۸۸۸
دفتر خراسان شمالی: ۰۵۸۳۲۲۵۹۰۱۸

مطالب درج شده در روزنامه الزاما به معنای تایید محتوای آن نمی باشد.
روزنامه صبح امروز پذیرای مطالب و مقالات شما مخاطبان ارجمند می باشد.

Sobh_Emrooz
Sobh_Emrooz

درگاه پرداخت امن

۵۱۱/۶اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۱۰۰۱۶۱۲۰- ۱۴۰۴/۱۱/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قوچان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهدی حبیبی فرزند حسن بشماره ملی ۶۳۵۹۶۸۲۴۰۰ صادره از فاروج در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲۷۱۷/۸۲متر مربع قسمتی از پلاک ۳- اصلی واقع در ۲ قوچان اراضی شهر کهنه خریداری از مالکین رسمی آقایان غلامحسین نصفه کار و محمد آمیزش و محمد حسن صفار زاده و حسن نخودچی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ م.الف۱۳۱

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان

۵۱۱/۷اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۶۵- ۱۴۰۵/۰۱/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قوچان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حمید یوسفیان محمدآباد فرزند محمد بشماره ملی ۰۸۷۰۴۴۷۱۹۱ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۶۸/۱۳ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۶۸ فرعی از ۱۷۲- اصلی واقع در بخش ۲ قوچان اراضی نظر آباد خریداری از مالک رسمی آقای نادعلی حیرانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ م.الف۱۳۷

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان

۵۱۱/۸اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره۱۴۰۴۶۰۳۰۶۲۷۱۰۱۰۴۷۱ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه رضائی یزدی فرزند احمد بشماره شناسنامه ۵۱۰۱ صادره از مشهد نسبت به ششدانگ اعیان یکباب ساختمان به مساحت ۱۳۸/۷۸ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۴۹- اصلی واقع در گلشور خراسان رضوی بخش ۹ حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج از محل مالکیت موقوفه میرزا محمد محسن رضوی حصه سید ابوالقاسم اخلاقی فرد که عرصه متعلق به موقوفه میرزا محمد محسن رضوی حصه سید ابوالقاسم اخلاقی فرد و اعیان متعلق به متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ م.الف۱۱۷۲

امید خیر خواه رئیس ثبت اسناد واملاک منطقه ۵ مشهد

۵۱۱/۹اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زاوه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۲۷۷۰۰۲۵۷۶- ۱۴۰۴/۱۲/۲۵ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زاوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی شرکت سیمان زاوه شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۴۵۴۳۰ در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۸۲/۳۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۲۱ اصلی واقع در اراضی حمشت آباد خریداری از مالک رسمی مالکیت آقای محمد حسن مختاری فرزندحسین محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ م.الف۱۳۷

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان

۵۱۱/۱۰اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بجستان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی .نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ وبرابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۲۰۰۰۰۰۶۱ مورخ ۱۴۰۵/۲/۲۱ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک بجستان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس دانشور به شناسنامه شماره ۱۵۱۲ کد ملی ۵۶۲۹۷۱۳۱۴ صادره یونسی فرزند محمد علی درششدانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۱۸۵۷۸ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۷ فرعی۴۱۸ اصلی واقع دربخش دوگناباد حوزه ثبت ملک بجستان از محل مالکیت مشاعی خود متقاضی به میزان ۱۰۰۰۰۰ سهم مشاع از ۱۴۶۳۱۷۶ سهم ششدانگ ثبت شده ذیل صفحه ۸۸ دفتر املاک جلد ۳۰ محرز گردیده است . لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه ومحلی /کثیرالنتشار در شهرهاودر روستاهای هیات الصاق تا درصورتیکه اشخاص ذینفع به ارای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و درروستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲ م.الف۶۰۷

مجید طیبی- رئیس ثبت اسناد واملاک بجستان

۵۱۱/۱۲اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بجستان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی .نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ وبرابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۲۰۰۰۰۰۶۲ مورخ ۱۴۰۵/۲/۲۱ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک بجستان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس دانشور به شناسنامه شماره ۱۵۱۲ کد ملی ۵۶۲۹۷۱۳۱۴ صادره یونسی فرزند محمد علی درششدانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۵۰۸۰ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۷ فرعی۴۱۸ اصلی واقع دربخش دوگناباد حوزه ثبت ملک بجستان از محل مالکیت مشاعی خود متقاضی به میزان ۱۰۰۰۰۰ سهم مشاع از ۱۴۶۳۱۷۶ سهم ششدانگ ثبت شده ذیل صفحه ۸۸ دفتر املاک جلد ۳۰ محرز گردیده است . لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه ومحلی /کثیرالنتشار در شهرهاودر روستاهای هیات الصاق تا درصورتیکه اشخاص ذینفع به ارای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و درروستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲ م.الف۶۰۸

مجید طیبی- رئیس ثبت اسناد واملاک بجستان

۵۱۱/۱۳اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بجستان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی .نظر به دستور مواد ۱و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ وبرابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۲۰۰۰۰۰۶۳ مورخ ۱۴۰۵/۲/۲۱ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک بجستان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس دانشور به شناسنامه شماره ۱۵۱۲ کد ملی ۵۶۲۹۷۱۳۱۴ صادره یونسی فرزند محمد علی درششدانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۶۸۳۷۵ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی ۷ فرعی۴۱۸ اصلی واقع دربخش دوگناباد حوزه ثبت ملک بجستان از محل مالکیت مشاعی خود متقاضی به میزان ۱۰۰۰۰۰ سهم مشاع از ۱۴۶۳۱۷۶ سهم ششدانگ ثبت شده ذیل صفحه ۸۸ دفتر املاک جلد ۳۰ محرز گردیده است . لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه ومحلی /کثیرالنتشار در شهرهاودر روستاهای هیات الصاق تا درصورتیکه اشخاص ذینفع به ارای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و درروستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲ م.الف۶۰۷

مجید طیبی- رئیس ثبت اسناد واملاک بجستان

۵۱۱/۱۴اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۲۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد چوپانیان مقدم فرزند رجبعلی بشماره شناسنامه ۲۶۱ صادره از فریمان دریک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۰۲ متر مربع پلاک ۱۰ فرعی از ۲۷۵ اصلی واقع در بخش ۱۳ خریداری از مالک رسمی آقای عیسی بهمنی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰ م.الف۴۹

حسین مهرجو - رئیس ثبت اسناد واملاک فریمان

۵۱۱/۱۵اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۲۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد چوپانیان مقدم فرزند رجبعلی بشماره شناسنامه ۲۶۱ صادره از فریمان دریک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۶۲ متر مربع پلاک ۱۰ فرعی از ۲۷۵ اصلی واقع در بخش ۱۳ از محل مالکیت مشاعی متقاضی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰ م.الف۵۰

حسین مهرجو - رئیس ثبت اسناد واملاک فریمان

۵۱۱/۱۶اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۱۶۲۵ و ۱۶۲۷- ۱۴۰۵/۲/۱۳هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قوچان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ۱- آقای صفدر فرهمند نقاب فرزند علی بشماره ملی ۶۳۵۸۸۶۱۶۸۹ صادره از فاروج ۲- خانم منیر مداح نقاب فرزند رمضان به شماره ملی ۶۳۵۹۱۸۸۵۶۲ صادره فاروج در یک باب خانه به مساحت ۲۲۰/۲۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۴۸۴- اصلی واقع در بخش یک قوچان خریداری از مالکین رسمی آقایان ابوالفضل و حجی حسن خضری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۱ م.الف۲۰۱

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان